

پرتوی از افق اندیشه امام (ره)

(گزیده دیدگاه های حضرت امام خمینی (ره)
پیرامون مواد مخدر و اعتیاد)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پرتوی از افق اندیشه امام (ره)
(گزیده دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره))
پیرامون موادمخدر و اعتیاد

گردآوری و تنظیم
سعید محمدی

ریاست جمهوری
ستاد مبارزه با مواد مخدر
پژوهشکده ملی مطالعات موادمخدر ایران



ریاست جمهوری
ستاد مبارزه با مواد مخدر

پرتوی از افق اندیشه امام (ره) (گزیده دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) پیرامون
موادمخدر و اعتیاد) • گردآوری و تنظیم: سعید محمدی • مدیر هنری و طرح
جلد: گروه هنری نگار • ناشر: دبیرخانه ستاد مبارزه با موادمخدر • نوبت چاپ: اول ،
۱۳۸۲ • شمارگان : ۲۰۰۰ جلد

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	<u>مقدمه</u>
۱۱ - ۱۰۴	<u>سخنان ، احکام ، پیام ها و... ۱</u>
۱۰۴ - ۱۰۸	<u>استفتائات ۲</u>
۱۰۸ - ۱۲۰	<u>منتخب از تحریرالوسيله ۳</u>
۱۲۱ - ۱۲۸	<u>جملات (فهرست موضوعی)</u>
۱۲۹ - ۱۳۱	<u>کلمات کلیدی</u>

-
- ۱-مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام (ره) - موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام (ره)،(پاییز ۱۳۷۸).
- ۲-مجموعه ۳ جلدی استفتائات - دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (جلد اول و دوم پاییز ۱۳۷۸ و جلد سوم پاییز ۱۳۸۱).
- ۳-مجموعه ۴ جلدی تحریر الوسيله - دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (زمستان ۱۳۸۰).

مقدمه

برای اینجانب کار بسیار سختی است که بخواهم مطلبی را هر چند کوتاه؛ مقدمه بر عبارات گوهر بار شخصیتی بزرگ و روحانی ای که عمری را برای رضای باری تعالی در راه حق و حقیقت گذراند و جزء خدمت به اسلام و مسلمین داعیه ای دیگر نداشت، بنویسم؛ پس به دیوان او تفألی زدم:

«از هستی خویشتن رها باید شد

از دیو خودی خود جدا باید شد

آن کس که به شیطان درون سرگرم است

کی راهی راه انبیاء خواهد شد»

خداراسپاس می گویم که این فرصت را داد تا بتوانم مجموعه حاضر را برای علاقه مندان تهیه نمایم؛ گرچه شاید بسیار دیر این اقدام صورت گرفت، مدت ها در این فکر بودم که نظر حضرت امام خمینی (ره) در خصوص پدیده اعتیاد و مواد مخدر چیست؟ احساس می کردم شاید در حد یک یا چند استفتاء و یا چند جمله باشد که اغلب بکار برده می شود، ولی مطالب در پیش به قدری برای

اینجانب که حدود ۱۵ سال به طور رسمی از نزدیک با اقدامات جمهوری اسلامی در مقابله با اعتیاد و موادمخدرآشنایی دارم، جذاب بود که احساس می‌نمایم هرآنچه کارشناسان به آن به عنوان سیاست می‌پردازند یکجا در جملات آن پیر فرزانه موجود است و عدم توجه به جنبه‌های انسانی، پیشگیری و درمانی فرمایشات ایشان جفایی بیش نیست.

- حفظ کرامت انسانی و برشمردن موادمخدربرعلیه آن .
- تاکید بر حفظ نیروی انسانی کشور .
- مخل تفکر دانستن مصرف مخدرات .
- توجه به جوانان و نوجوانان آینده سازان مملکت .
- ضرورت داشتن مملکتی آرام، دلپسند، با رفاه و دلگرم .
- تکلیف دانستن ترک اعتیاد .
- اولویت پیشگیری از بیماری بردرمان .
- توطئه بودن و سیاست استعمار دانستن ترویج اعتیاد و مخدرات درشرق به ویژه ممالک اسلامی .
- لازم دانستن درمان معتادین .
- توجه به رفاه زندانیان .
- ضرورت همکاری تمام آحادملت درمقابله بامواد مخدر.
- و

علی ایحال به دو علت برآن نیستم تا به ابعاد مختلف و بحرانی بودن پدیده به پردازم: اول هر آنچه نیاز به بیان است در مطالب درپیش موجود است و دوم اینکه بر معضل و بحرانی بودن پدیده همگان واقفند؛ پس بدور از هرگونه برداشت شخصی از فرمایشات حضرت امام خمینی(ره)؛ مجموعه پیش روی که نتیجه بررسی ۲۲ جلد کتاب صحیفه امام(ره) از انتشارات موسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) که شامل بیش از ۱۱ هزار برگ و ۳ جلد کتاب استفتائات منتشره توسط دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ پنجم شامل بیش از هزاروپانصد برگ و جلد‌های ۲-۳ و ۴ تحریر الوسیله حضرت امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه(از همان انتشارات) را تقدیم به روح پرفتوح آن عالم ربانی و دوفرزندش و کلیه شهداء بخصوص شهداء عرصه مبارزه با مواد مخدر می نمایم.

مجموعه حاضر حاوی گزیده ای از سخنرانی ها، پیام ها، نامه ها، احکام و فتاوی می باشد و نظر به اینکه حضرت امام(ره) در موارد متعددی مواد مخدر را کنار مسکرات آورده اند، بخش های مربوط به مبحث مسکرات از کتاب تحریر الوسیله نیز در پایان آمده است؛ ذکر این نکته نیز لازم است که عبارات قرار گرفته در [] توسط تنظیم کننده اضافه و نقطه چین های ابتداء و انتهای مطالب مشخص کننده برگزیده بودن سخنان از بین مطالب دیگری باشد.

دو نوع فهرست برای مجموعه در نظر گرفته شده است؛ اول کلمات کلیدی و دوم گزیده ای از جملات (فهرست موضوعی) عباراتی که در قسم دوم با علامت * مشخص شده است، عین فرمایشات حضرت امام(ره) می باشد.

وظیفه می دانم تا از جناب آقای دکتر رودساز مشوقم و آقایان حسن نقیان، مهدی ولی زاده که در کنترل مطالب تاییدی یاری رسان بوده اند و سرکار خانم محبوبه حجازی که تایپ مطالب را برعهده داشته اند و همچنین آقای محمد جعفر سلیمانی تشکر نمایم .

باید اعتراف نمایم که این مختصر نمی تواند تمام نظرات ایشان را شامل شود لذا از کلیه کسانی که از این پس اقدام به تکمیل مجموعه خواهند نمود و یا مارا در اصلاح آن یاری خواهند رساند ؛ پیشاپیش تقدیر و تشکر می نمایم.

سخن را با این گفته شهید بزرگوار دکتر بهشتی به اتمام می رسانم: “ ما هر کجا به فرمایشات امام (ره) گوش کردیم موفق بودیم و هر کجا سعی در اعمال نظر خود بودیم شکست خوردیم .”

سعید محمدی

خرداد ۱۳۸۲

مخاطب : پسندیده، سیدمرتضی ۱

.....

ع- راجع به موادمخدره دو مرتبه تاکنون جواب داده‌ام معاملات نکنند و هر چه کرده‌اند ترتیب اثر بطلان دهند و وجوه آن را به صاحبانشان برگردانند و در صورتی که نمی‌شناسند صدقه دهند.

مخاطب : پسندیده ، سید مرتضی ۲

بسمه تعالی

۲۹ قع ۹۶

به عرض حضور مبارک می‌رساند، جواب مرقومات مبارک که را داده‌ام اینک قبض را که خواسته‌اید و آقای اسلامی خواسته‌اند می‌فرستادم.

۸ - معاملات هروئین و امثال آن را عرض کردم که باید معامله بطلان کنند و وجه را به صاحبش برسانند و اگر نمی‌شناسند، از قبل او مجازند صدقه بدهند.....

۱-جلد : ۳ , صفحه : ۱۷۹ , نامه , زمان : ۲۸ آبان ۱۳۵۵

۲-جلد : ۳ , صفحه : ۱۸۱ , نامه , زمان : ۱ آذر ۱۳۵۵ / ۲۹ ذی‌القعدة ۱۳۹۶ , مکان : نجف

حضار: دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج ۱

..... این جور نیست که اگر یک حکومت اسلامی پیدا بشود، دیگر زندگی مردم را بر هم می‌زند، و توپ و تانک و این چیزها دیگر نمی‌خواهیم و ما می‌خواهیم الاغ سوار بشویم، حرف های مفت است که می‌زنند. کجای قرآن، کجای احکام قرآن، کجای احکامی که خود روحانیون [دارند] یک همچو کلمه‌ای از شان صادر شده است که ما با مظاهر تجدد مخالفیم. ما با مظاهر انحرافات مخالفیم آقا. چیزهایی که مظاهر تمدن بوده وقتی که به دست این مفسده‌جوها و این استفاده‌گرها می‌افتد، از آن صورتی که داشته مسخ می‌کنند. یک سینمایی که ممکن است مربی یک طایفه‌ای، مربی یک ملتی باشد، به یک صورتی در می‌آورند،..... بچه‌های ما را فاسد بار می‌آورند. خوب، ما با این مخالفیم. ما با اصل سینما، اگر چیزهایی را که انجام می‌دهد، کارهایی را که انجام می‌دهد کارهایی باشد که برای ملت مفید است، بچه‌ها را تربیت می‌کند، رشد می‌دهد، مخالف نیستیم. ما با این مراکز فساد که دارد طبقه جوان ما را از دست ما می‌گیرد، که در ایران می‌بینید که در تهران چقدر مراکز فساد دارد، چقدر بچه‌ها و جوان‌های ما را اینها تریاکی کرده‌اند و عرض می‌کنم که بدتر، از این مخدرات دیگر، مشروب‌خور، چقدر مشروب سازی در ایران هست، ما با اینها مخالف هستیم،

.....

مخاطب : دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج ۱

..... افیون معنایش این است که مثل تریاک، این مواد مخدره که استعمال می‌کنند و انسان بعد از استعمالش به چرت می‌رود.....

مصاحبه کننده: خانم الیزابت تارگود، خبرنگار روزنامه انگلیسی گاردین ۲

..... ما با سینماهایی که برنامه‌های آنها فاسد کننده اخلاق جوانان و مخرب فرهنگ اسلامی باشد مخالفیم. اما با برنامه‌هایی که تربیت کننده و به نفع رشد سالم اخلاقی و علمی جامعه باشد موافق هستیم. مشروبات الکلی و الکیسم و سایر مخدرات که مضر به حال جامعه می‌باشد، جلوگیری خواهد شد.....

حضار : دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج ۳

..... در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است مگر آنهایی که فساد اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است. ما الان این مظاهر تمدنی که در جاهای دیگر - در ممالک پیشرفته - از آنها استفاده‌های صحیح می‌شود، وقتی که آمده است در مملکت ما

۱-جلد ۴، صفحه ۲۱۴، سخنرانی، زمان: ۸ آبان ۱۳۵۷، مکان: پاریس نوفل لوشاتو

۲-جلد: ۴، صفحه: ۲۴۷، مصاحبه، زمان: ۱۰ آبان ۱۳۵۷

۳-جلد: ۵، صفحه: ۲۶۲ و ۲۶۳، سخنرانی، زمان: ۱ دی ۱۳۵۷، مکان: فرانسه، نوفل لوشاتو

یا مملکت های شبیه به مملکت ما، استفادهایی که از اینها می شود استفاده های فاسد می شود، مثلاً سینما، ممکن است که کسی در سینما نمایش هایی که می دهد نمایش های اخلاقی باشد، نمایش های آموزنده باشد، که این را هیچ کس منع نکرده، و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوان های ماست، و اگر چند روز جوان های ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا فاسد بیرون می آید، دیگر به درد نمی خورد و اینها می خواهند همین بشود. یعنی تمام برنامه هایی که اینها درست کرده اند، برنامه های فرهنگی، برنامه های هنری، هرچه درست کرده اند استعماری است. می خواهند اینها جوان های ما را یک جوان هایی بار بیاورند که به درد آنها بخورند، نه به درد مملکت خودشان بخورند، یا فاسد بشوند یک عضو فاسدی بشوند. اگر یک مدتی این جوان ها در این مراکز فساد که اینها درست کرده اند و در اختیار جوان ها گذاشته اند آن قدری که مراکز فساد در تهران - الان بیشتر از کتابخانه است، بیشتر از مراکزی است که برای تعلیم و تربیت است - برای این است که می خواهند این جوان ها به طرق مختلفه بیکاره و بیچاره بار بیایند، دیگر در مقابل این استفاده جوهای خارجی نتوانند کاری [بکنند]، یعنی بی تفاوت باشند نسبت به آنها. این جوان هایی که تریاکی بار آمده اند، هروئینی بار آمده اند، شارب الخمر هستند، قمارباز شده اند - عرض بکنم - در مراکز فساد و فحشا رفتند، اینها دیگر همان عیاشیها را تمام مقاصد خودشان می دانند و عالم هر چه بشود، آنها بی تفاوتند نسبت به آنها. و آنها می خواهند که این نسل جوانی که ممکن است یک ثروت بزرگی برای یک مملکت باشد و این

مملکت را جلو ببرد، این نسل جوان را کاری بکنند که به عقب برگردد، یعنی چیزی بشود بی‌فایده، یک امر بی‌فایده‌ای، یک ثروت بی‌فایده‌ای برای مملکت بشود. این یکی از کارهایشان است که می‌کنند.

مخاطب : خبرنگار تلویزیون فرانسه ۱

.....

- [قسمت دوم سؤالم که مربوط به گذشته یعنی به عقب برگرداندن است ...]
- اینکه گفته می‌شود که ما می‌خواهیم مملکت را به عقب برگردانیم این مطلبی بوده‌است که شاه برای اینکه دست و پا بزند و خلاص بشود از این گرفتاری که دارد منتشر کرده. ما با جمیع آثار تمدن موافقیم و مایلیم که مملکت ما مجهز بشود به جمیع آثار تمدن لکن نه به آنطور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را در ایران به یک آثار فاسد کننده مفسد در آورد: سینماها را محل فساد درست کرد، اخلاق جوان های ما را فاسد کرد، مراکز فحشا را زیاد کرد، مراکزی که جوان های ما را عادت به چیزهای باطل مثل هروئین می‌کند زیاد کرد؛ و ما با اینها مخالفیم. و اما با آثار تمدن و پیشروی به هیچ وجه مخالف نیستیم، با پیشروی های شاه مخالفیم که پیشروی های او ما را به عقب برگردانده؛ و حالا سال های طولانی باید ایران زحمت بکشد تا اینکه ایران را به حالی برساند که

ترمیم کند این فسادهایی که شاه در ایران ایجاد کرده و این خرابی‌هایی را که به بار آورده.

مصاحبه کننده : خبرنگار تلویزیون فرانسه ۱

- [پیرامون شایعه ثروتمند بودن روحانیت و همچنین گرفتن کمک از کشورهای دیگر و احتمال بازگشت به نظام قرون وسطی چه می‌گویید؟]
..... اینکه گفته‌اند می‌خواهیم مملکت را به عقب برگردانیم، مطلبی است که شاه منتشر کرده، برای اینکه دست و پا بزند و خلاص شود از این گرفتاریهایی که دارد. ما با آثار تمدن موافقیم. ما یلیم که مملکت ما مجهز شود به همه آثار تمدن، ولی نه آنطور که شاه عمل کرد. شاه تمام آثار تمدن را به صورت فاسد کننده در آورد. سینما به صورت ترویج فساد شد. اخلاق جوان‌ها را فاسد کرد، مراکز فحشا را زیاد کرد، و وسایل اعتیاد جوانان را فراهم ساخت. جوان‌های ما را به هروئین مبتلا کرد. ما با اینها مخالفیم. با آثار تمدن و پیشرفت مخالف نیستیم. با پیشرویهای شاه مخالفیم که ما را به عقب رانده. حالا ملت ایران سال‌ها باید زحمت بکشد که ایران را ترمیم کند و خساراتی را که شاه در ایران ایجاد کرده و خرابی‌های را که به بار آورده جبران نماید.

حضار: طبقات مختلف مردم، پزشکان و داروسازان ۱

[بسم الله الرحمن الرحيم]

من از عواطف شما متشکرم. ان شاء الله خداوند شما را سعادت‌مند کند. من امیدوارم که در این وقت حساسی که مملکت ما گرفتاری عظیم دارد، همه آقایان، همه اقشار، همه اصناف مردم به هم کمک کنند. همه به هم کمک کنند و این مملکتی را که اینها خراب کردند و گذاشتند و رفتند، این مملکت به همت همه انشاء الله دوباره از نو ساخته بشود. الآن مملکت ما همه چیزهایش، همه چیزهایش خراب است از همه کشور.....

.....آن چیزی که مهم است، یکی نیروی انسانی است که به هدر دادند؛ برای اینکه آن چیزهای اعتیادی را، از قبیل تریاک و هروئین، اینها منتشر کردند و اینها را کشاندند به آنجاها. مراکز فحشا درست کردند و جوان های ما را بردند آنجا.....

حضار: بانوان قم ۲

..... در زمان این [شاه محمدرضا] هم همه چیزهای ما را بردند، همه حیثیت ما بردند. آنقدری که به نیروی انسانی ما ضرر زدند، به نیروهای مادی ما ضرر نزدند.

۱-جلد: ۶، صفحه: ۸۵، سخنرانی، زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ / ۸ ربیع الاول ۱۳۹۹، مکان: تهران، مدرسه علوی

۲-جلد: ۶، صفحه: ۳۵۷ و ۳۵۸، سخنرانی، زمان: ۱۷ اسفند ۱۳۵۷، مکان: قم

آنقدری که انسان ها را نگذاشتند رشد بکنند، آنقدری که مراکز فحشا را درست کردند، قمارخانه‌ها را درست کردند، فحشا خانه‌ها را درست کردند و در اختیار جوان های ما گذاشتند و آنها را غافل کردند از مقدرات خودشان، آنقدر که ابتلا به این مواد مخدره اینها پیدا کردند در زمان اینها برای اینکه همه چیزشان را تخدیر کنند و نگذارند نسبت به مقدرات خودشان فکر بکنند. لکن خدای تبارک و تعالی خواست که در این دو سال اخیر، البته مبداء از ۱۵ خرداد بود لکن در این دو سال اخیر که نهضت شکوفا شد، خدای تبارک و تعالی به شما کمک کرد.

مخاطب: با هیات دولت موقت ۱

و آنچه که باز باید به اقشار ملت عرض کنم این است که ما نمی‌توانیم خرابیهای که واقع شده است و در ظرف این - تقریباً بیست و چند سال اخیر بیشتر از همه اوقات خرابی به مملکت ما وارد شده است، نمی‌توانیم که اتکال به این کنیم که دولت این خرابیها را جبران کند، دولت فقط نمی‌تواند. نمی‌توانیم اتکال کنیم به اینکه روحانیت این کار را انجام بدهد، روحانیت نمی‌تواند. نمی‌توانیم اتکال کنیم به اینکه ادارات دولتی، فرهنگیان این کار را انجام بدهند، آنها هم نمی‌توانند. همان طوری که در پیشرفت این مقصد و در پیروزی‌ای که تاکنون پیدا کردیم، در آستانه پیروزی‌ای که هستیم، اینطور نبود که یک قشر بتواند این پیروزی را به دست بیاورد؛ همه قشرها با هم شدند و همه مسلکها را

کنار گذاشتند و با هم پیش رفتند تا اینجا رسیدند. باید حالا هم با هم پیش برویم؛ همان طوری که این پیروزی پیدا شده است و همه با هم این راه را طی کرده‌اند.

اگر بخواهیم از حالا به بعد مشغول ساختن این ویرانه باشیم، هیچ یک از اقشار تنها نمی‌توانند این ویرانه را بسازند؛ باید باز همه با هم - تمام اقشار با هم - باید این ویرانه را بسازند منتها هر کس در هر محلی هست.

کشاورزها در محل کشاورزی که هستند به کشاورزی خودشان علاقه پیدا بکنند. الان دیگر دستی نیست که آنها را به فشار وادار به امری بکند یا منافع آنها را بخواهد به واسطه سودجویی خودش بردارد یا به غیر بدهد؛ امروز کسی همچون کاری نخواهد کرد. کشاورزها باید به کشاورزی خودشان ادامه بدهند و علاقه داشته باشند، و کشاورزی که می‌کنند در این برهه از زمان باید اکثرش و قسم مهمش این چیزهایی باشد که غذای ملت را اداره می‌کند مثل گندم، برنج، جو، عدس - امثال اینها. از چیزهایی که - موادی که - مضر است یا نافع نیست خودداری بکنند، از مثل، کشت تریاک کمتر بکنند، خودداری بکنند. و از چیزهایی که نفع خیلی ندارد، در تغذیه مردم دخالت ندارد، از آنها خودداری بکنند و عمده کار را همان مواد غذایی، عمده کشت را مواد غذایی بکنند که ما احتیاج به خارج ان‌شاء الله پیدا نکنیم. الان می‌دانید که ما محتاج به خارجییم راجع به مواد غذایی، باید ما خودمان این را جبران بکنیم و این به همت کشاورزان ماست و البته دولت هم با کشاورزها باید همراهی بکند، و همراهی ان‌شاء الله می‌کند.

.....

مخاطب: با اقشار مختلف مردم ۱

..... از قمار بازی جلوگیری می‌کند اسلام؛ از شرابخواری جلوگیری می‌کند اسلام، از هروئین جلوگیری می‌کند اسلام؛ برای اینکه مفسده دارند. برای همه یک محدودیت هایی هست، و محدودیت های شرعی و الهی. محدودیت هایی است که به صلاح خود جامعه است؛ نه این است که برای جامعه یک چیزی مثلاً نافع بوده است که محدودیت برایش ایجاد کرده‌اند.

حضار : اعضاء هیأت بازرگانی ایرانی ۲

..... یک طایفه هم این قاچاقچی ها؛ هروئین فروش و قاچاقچی [که]
اسلحه قاچاق می‌آورد. این هم یک درد و بلایی است که الان به جان این ملت افتاده است. اینها درجه اول خائنین هستند به این مملکت. تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان های ما، ملت ما را از بین خواهد برد. اینها خودشان قبل از اینکه آن عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از اینکه آن شلاق الهی به آنها بخورد، خودشان ملاحظه بکنند و نکنند. ترک کنند این را؛ این جنایت است، این کشیدن جوان های برومند ماست به از

۱-جلد ۶، صفحه ۴۳۷، سخنرانی، زمان: ۹ فروردین ۱۳۵۸

۲-جلد ۷، صفحه: ۳۱۷ تا ۳۱۹، سخنرانی، زمان: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، مکان: قم

بین رفتن این فساد نسل است؛ نسل را فاسد می‌کند. کاسبی مگر قحط است که انسان هروئین فروشی بکند؟! کاسبی دیگر بکن! برو کار دیگری بکن! قاچاقچی؟! آن هم قاچاق هروئین و تریاک و قاچاق اسلحه از خارج؛ که یکوقت به دست دشمن‌ها بیفتد و مملکت را به هم بزند. این هم یک باب است....

ما الآن وضعمان طوری است که همه‌مان باید کمک بکنیم به این کشور. همه باید دلسوزی بکنیم برای این ملت. ملتی است که مثل ملت جنگزده - جنگزده است واقعاً - ملتی است که در خیابان‌ها جنگ کردند. مگر جنگ غیر از این بود؟ منتها آنها توپ و تانک داشتند، این‌ها مشت داشتند و اراده قوی - یک ملت جنگزده، یک ملت خیانتزده، یک ملت جنایتزده، یک ملتی که فقیرش کردند و رفتند، انصاف نیست که حالا اقشار مختلفه‌ای که دستشان به دهنشان می‌رسد با این ملت باز همان کاری را بکنند که آنها می‌کردند به صورت دیگر. همان خیانت‌هایی که آنها می‌کردند: آنها می‌بردند می‌کشتند تو حبس‌ها و اینها، اینها با هروئین می‌کشدند! این بدتر از قتل است.

باید ما بیدار بشویم آقا! باید موافق اسلام عمل کنیم، انسان باشیم ما، باید انصاف داشته باشیم ما. دردها زیاد است و من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی همان طوری که تا حالا با رحمت خودش با ما عمل کرده است، باز هم با رحمت خودش عمل بکند که ما بتوانیم این نهضت را به آخر برسانیم و مملکت خودمان را از چنگال اجنبی‌ها نجات بدهیم و اشخاص خائن را هم به سزای خودشان برسانیم.

ان شاء الله خداوند همه شما را حفظ کند. موفق باشید؛ سلامت باشید؛ برای مملکت خودتان خدمت بکنید.

حضار : کارمندان قسمت بی سیم مخابرات ۱

..... شماها هستید که می‌توانید مملکت را نجات بدهید با تربیت اولاد. تربیت اولاد را پیش شما کوچک کردند. تربیت اولاد بالاترین چیزی است که در همه جوامع از همه شغلها بالاتر است. هیچ شغلی به شرافت‌مادری نیست. و اینها منحط کردند این را. این خیانت بزرگی است که به ما کردند، و به ملت ما کردند. مادرها را منصرف کردند از بچه‌داری بچه‌داری را یک چیز منحطی حساب کردند؛ در صورتی که از دامن همین مادرها مالک اشتر پیدا می‌شود. از دامن همین مادرها حسین بن علی پیدا می‌شود. از دامن همین مادرها اشخاص بزرگ پیدا می‌شوند که یک ملت را نجات می‌دهند. اینها این را منحطش کردند. شما را به یک صورتی می‌خواهند حفظ کنند. مادرها را [اگر] بتوانند به صورت عروسک در آورند. عروسک! که هیچ کار نداشته باشد به سرنوشت ملت خودش. هیچ کاری به این نداشته باشد که سرنوشت این ملت باید چه بشود، و من چه نقشی دارم در سرنوشت این ملت.

جوان های ما را هم می‌خواهند یک دسته شارب الخمر قمارباز، هروئینی! تربیت بکنند؛ این طور می‌خواستند تربیت بکنند! مهملمان کنند. اصلا تهی کنند؛ محتوا را بگیرند از آنها. حالا ما باید بیدار بشویم. باید توجه کنیم که تا حالا شد آنچه

که شد؛ خیانت شد آنقدر که شد؛ و الحمدا... دست خائن ها تا آن اندازه‌ای که باید کوتاه بشود شد، و مابقی شان هم می‌شود ان شاء...؛ اما ما باید حالا بیدار بشویم گول نخوریم. دوباره گول این تبلیغات را نخوریم که می‌خواهند ما را دوباره به عقب برگردانند. الان ریشه‌های اینها در ایران هست این ریشه‌های فاسد را اگر ما جلوش را نگیریم، همه‌مان با هم، همه با هم. اگر جلو این را نگیریم، این ریشه‌های فاسد کم کم رشد می‌کنند. افراد هم را پیدا می‌کنند، با هم مجتمع می‌شوند. اگر ما جلو اینها را نگیریم، شما مادرها جلو نگیرید، شما خواهرها جلو نگیرید شما بردارها جلو نگیرید، رشد می‌کنند آنها. و رشد کردن آنها موجب این می‌شود که باز زندگی ما تباه بشود، باز مملکت ما به تباهی کشیده بشود. الان ما همه موظفیم شما موظفید؛ من موظفم. من یک طلبه موظف و دعاگو به شما؛ شما یک بانوی محترمه موظف؛ آقا یک آقای محترم موظف؛ همه موظفیم که توجه داشته باشیم که این نهضت را همان طور که تا حالا آوردیم حفظ کنیم و نگذاریم که اخلال در آن بشود....

مخاطب: هیأت قائمیه تهران ۱

..... این انقلاب روحی را حفظش کنید. حالا که رسیدیم ما به - مثلاً - یک قسم از پیروزی، و آن رفع موانع است، حالا مدتی اعتصاب شده است و مثلاً کم دخلی شده است، حالا اینطور نباشد که تلافی بخواهید در آورید. تلافی آن

اعتصابهایی که کردید حالا بخواهید به جان مردم بیفتند و تلافی کنید. اگر اینطور باشد، آن روحیه اسلامی - الهی از دست رفته است؛ و اگر آن روحیه از دست رفت، پیروزی هم از دست ما می‌رود. این را باید حفظش کنید. این تحول روحی را باید حفظش کنید. نگویند که حالا گذشت و دیگر چطور؛ هر که برود سراغ کار خودش، و هر که سرکسب خودش! و آنطوری که هر روز تقریباً - حالا با کم و زیادتش - به ما می‌آیند شکایت می‌کنند که گران فروشی چقدر شده، گران فروشی چه شده، قاچاق‌گری چقدر شده، هروئین فروشی چقدر شده، تریاک فروشی چقدر شده. اگر برگردد آن تحول روحی، که یک برهه از زمان بود و شما را به پیش برد، اگر خدای نخواستہ آن برگردد، خوف این است که جهات دیگر هم برگردد، عنایت خدا برگردد.....

حضار : گروهی از عشایر کهگیلویه و بویراحمد ۱

..... [یکی از حضار اظهار می‌دارد : اگر حضرت امام امر بفرمایند ما آماده حراست از مرزهای کشور در منطقه عشایری هستیم].
ان شاءالله موفق باشند. البته مرزها را باید خود آقایانی که در مرز هستند حفظ کنند، که از خارج یک اشخاص غیر صحیحی وارد نشوند. چنانکه گفته می‌شود، افرادی هستند که از خارج وارد می‌شوند، اسلحه‌هایی وارد می‌شود؛ مواد مخدره از قبیل هروئین، تریاک و این طور چیزهایی که مضر است به حال مملکت، وارد

می شود؛ و الان هم ارتش خیلی قدرت ندارد، ژاندارمری خیلی قدرت ندارد - که مشغولند برای اینکه قدرت بهشان بدهند - لکن باز می ایستند. الان خود ملت باید این مسائل را حل کند. الان مملکت مال خودتان شده؛ وقتی مملکت مال خودتان باشد مثل اینکه برای عایله خودتان خدمت می کنید. برای مملکت خودتان هم خودتان باید خدمت بکنید؛ و هر نابسامانیهایی که هست در هر جا باید خود شماها رفعش بکنید. ان شاء... موفق باشید، مؤید باشید انشاءالله.....

حضار : پرسنل نیروهای هوایی و دریایی بندرعباس ۱

..... شما آزادی؛ آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور. و آزادی برای این نیست که هر کس هر کاری می خواهد بکند. قاچاق فروشی بکند، گرانفروشی بکند، سرحدات را به هم بزند، نظام را به هم بزند؛ جهات مقررات ملی و دولتی و اسلامی را ملاحظه نکند. معنای آزادی این نیست. آزادی در حدود مقررات است. مقررات را باید حفظ کرد.....

..... من از شما دوستان عزیز، فرزندان محترم، که در سرحدات هستید و در آنجا زحمت می کشید و در آن هوای گرم برای اسلام و برای کشور خودتان خدمت می کنید، کمال تشکر را دارم. و امیدوارم که شما خودتان سرحدات را حفظ کنید و نگذارید قاچاق وارد بشود؛ خصوصاً اسلحه قاچاق و مواد مخدره‌ای که برای ملت ما مضر است. خود شما باید آنجا فعالیت کنید و جلوگیری از این مطالب

بکنید. خداوند به همه شما سلامت و سعادت و عزت و عافیت عنایت کند، و شما را جز فداکارهای اسلام قرار بدهد.

حضار: فلاحی ولی ا... فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی

ایران - گروهی ۱

..... شما می‌دانید که الان باز ما در حال انقلاب هستیم. البته یک راهمایی را رفتیم، ولیکن باز هم حال انقلاب است، حال غیر عادی است. در این حال غیر عادی، که الان سرحدات ما وضعش وضع صحیحی نیست. و هرروز تقریباً از اطراف به ما خبر می‌دهند که اسلحه وارد می‌شود، مواد مخدره وارد می‌شود اشخاص قاچاقی وارد می‌شوند و در بین شهرها هم باز یک شلوغیهایی هست، در داخل شهرها هم باز این عناصر ضد انقلاب هستند، الان یک وضع انقلابی ما داریم، در این وضع انقلابی باید همه قوا توجه به همه مقاصد داشته باشند. آنکه در سرحد است اگر یک وقتی در داخل یک عده‌ای می‌خواهند انقلاب کنند، می‌خواهند برضد انقلاب عمل کنند، می‌خواهند خرابکاری کنند، و اینهایی که در داخل شهرها هستند نمی‌توانند جلوی اینها را بگیرند، آنها باید سراغ این کار و این کار را انجام بدهند، برای اینکه سرحداری برای حفظ مملکت است. چنانکه در شهرها ژاندارمری می‌خواهد انتظامات را برقرار کند، این برای حفظ نظام است، اگر ژاندارمری دید که سرحدات به هم خورده است، دارد از دست می‌رود، این ژاندارمری دیگر حق ندارد بگوید که من مال بین شهرها هستم، یا مثلاً قوایی که

در داخل شهرند، هوایی، زمینی، دریایی، - همه اینها موظفند الان - الان همه قوای انتظامی موظفند به اینکه مراقب باشند همه مملکت را، چنانچه همه مردم موظفند. و این انحصار به قوای انتظامی ندارد. ما نباید بنشینیم بگوییم که حفظ نظم با قوای انتظامی است. نه اگر در حال عادی بود، حفظ نظم با قوای انتظامی بود. اما اگر حال غیرعادی شد، مردم همه موظفند که کمک کنند به قوای انتظامی، قوای انتظامی را تنها نگذارند، پاسدارها هم موظفند، خود مردم هم موظفند.

حضار : پاسداران و بازاریان تهران ۱

..... ” ما آزادیم هروئین بفروشیم، آزادیم تریاک بفروشیم، آزادیم قمارخانه باز کنیم، آزادیم شرابخانه باز کنیم، شراب فروشی باز کنیم“ ! همچو ” آزادی“ نیست. این آزادی ها یک آزادی های غربی است که این طور چیزها را می آورد. آزادی ای که در اسلام است در حدود قوانین اسلام است. آن چیزی که خدا فرموده است نباید بشود، شما آزاد نیستید که اقدام کنید به آن. همچو آزادی نیست که کسی بخواهد قمار کند، بگویند ” آزاد است، خودش می داند“.....

..... جوان های ما را بد بار آوردند؛ هروئینی بار آوردند، تریاکی بار آوردند، قمارباز بار آوردند، شرابخوار بار آوردند و یک صدمه بزرگی به کشور ما زدند که نیروی انسانی را از ما گرفتند؛ نیروی انسانی را هدر دادند. باید در جمهوری اسلامی،

نیروهای انسانی محفوظ بماند. نیروهای انسانی صرف یک امر صحیح بشود تا کشور ما نجات پیدا نکند. ما الآن یک کشوری داریم که سال های طولانی و خصوصاً در این پنجاه سال و چند سالی که این پدر و پسر غیر صحیح، این پدر و پسر جنایتکار، در این مملکت حکومت کردند، نیروی انسانی ما را از بین بردند. الان شما باید چراغ بردارید و بگردید دوره که انسان پیدا بکنید! نگذاشتند انسان پیدا بشود. دانشگاه ها را نگذاشتند دانشگاه اسلامی باشد، دانشگاه انسانی باشد. مدارس ما را نگذاشتند درست ما درس بخوانیم. فشارها، اختناق ها در آن زمان، در این زمان؛ هر کدام به یک شکلی. جوان های ما را برایشان مراکز فحشا تهیه کردند؛ و تشویق کردند به این مراکز فحشا. مراکز فحشا را می گویند بیشتر از کتابخانه هست! و همین طور هم هست. حالا ان شاء الله امیدوارم جلوگیری شده باشد.....

حضار: اعضای بانک مرکزی ایران ۱

..... الان ما همه مان مبتلا به این هستیم که یک مملکتی که اینها آشفته کردند و خراب کردند و همه چیز ما را از بین بردند [...] و بدتر از همه نیروی انسانی را از بین بردند. این از همه خیانتها برای این مملکت بالاتر است که اینها نیروی انسانی را تباه کردند به وجههای مختلف: به درست کردن مراکز فحشا- من که اطلاعی ندارم، ولیکن حالا می شنوم بین تهران تا کرج و شمیران و امثال

ذلک چقدر مرکزفحشا درست کرده بودند، دنبالش هم تشویق می کردند - سینماهایی که باید آموزنده باشد به چه صورت در آوردند و تشویق کردند همه را بر این . مراکز مخدرات ، از قبیل تریاک و هروئین و اینطور چیزها ، چقدر درست کردند و چقدر وارد کردند. خودشان هم عامل آوردنش بودند ، از قراری که می گفتند، و چقدر تشویق کردند. یک مملکت را نیروی انانیش را تباه کردند و رفتند. انسان می تواند که اقتصادش را با یک - دو سال، چهار سال، درست بکند؛ اما انسانی که فاسد کردند و یک طبقه که حالا چهل ساله هستند، سی ساله هستند، اینها فاسد شدند، این یک عمر می خواهد این طبقه را دوباره آدم برگرداند به حالی که باید رشد بکند. این از همه ضربه هایی که به ما وارد شده است بدتر است. و مهم هم برای آنها همین بوده است. آنهايي که می خواستند ما را از بین ببرند و هر چه داریم ببرند و هیچ کس هم حرف نزند. آنها دنبال این بودند که تمام نیروهای انسانی را تباه بکنند؛ حالا یا به دست تبلیغات که کردند دامنه دار ؛ یا با فشارها و امثال ذلک نیرو را از دست ما بگیرند. که الان ما وقتی که وارد بشویم و بخواهیم اصلاحش بکنیم، از حالا باید آن طبقه بچه و جوان کوچک را کم کم تربیت کنیم تا برسد به آنجا. آن بزرگ ها را همچو کردند که کم می شود اصلاحشان کرد

حضار: گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان گنبد ۱

[بسم الله الرحمن الرحيم]

ان شاءالله خداوند شما را به وظایف پاسداری تأیید کند؛ که هم پاسدار از خودتان باشد و هم پاسداری از اسلام. پاسداری از اسلام همینی است که جلو فسادها را بگیرد؛ جلو هروئین، جلو این جور مفسده‌ها. و پاسداری از خودتان اینکه مبادا خدای نخواستہ برای قدرتی که دارید به دیگران تعدی بکنید ، به منزل کسی بروید، کسی را بی خودی بگیرید؛ حالا به واسطه قدرتی که دستتان آمده

حضار : جوانان اصفهان ۱

..... اینها همه روی نقشه است. نقشه کشیدند که نگذارند این نهضت به ثمر برسد؛ و لذا از همه طرف خرابکاری می‌کنند. یک خرابکاریشان همین است که نگذارند جوان های ما صحیح بار بیایند؛ و حالا که باید از نیروی جوانی استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابراین باید از همه جوانب جلوگیری بشود. هر دسته ای باید یک گوشه‌اش را بگیرد و درست کند. یک دسته مبارزه با موادمخدر بکنند، یک دسته با مشروبات مبارزه کنند ، یک دسته هم با فسادهای دیگر مبارزه کنند و همین طور، تا انشاءالله این نهضت به ثمر برسد و دولت اسلامی، آنطوری که اسلام فرموده است نه آنطوری که هوای نفس بخواهد، عمل بکند؛ اگر اسلام تحقق پیدا کند، این سعادت است برای ملت و سایر ملت ها. من توفیق شما را در این مجاهدت از خدا می خواهم. البته

هر کس هم به شما کمک کند ، کمک به امر خیری کرده است. خداوند همه شما را موفق کند.

حضار : کارکنان سازمان مبارزه با اعتیاد ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

اصل قضیه مبارزه با فساد مطلقاً با این قسم از فساد که اعتیاد باشد، هیچ اشکال ندارد و مطلبی است که باید بشود، و باید هم دولت و اشخاصی که می‌توانند کمک کنند که این فساد برداشته بشود، در این هیچ اشکالی نیست. هر عقلی و هر عاقلی این معنا را تصدیق دارد که با این طور فسادها، که جوان‌های ما را به نیستی تقریباً می‌کشد، باید مبارزه بشود، و آنهایی که معتاد هستند باید آنها را در مراکز، از اعتیاد بیرون بیاورند و بالاتر، جلوگیری از فروش و خرید و پخش این طور مواد بی اشکال لازم است. از نظر شرع هم باید، این کار بشود من‌حالا کیفیت اینکه ... وضعش چه جور است، این را دیگر من الان اطلاعی ندارم، اگر آقایان، یک برنامه‌ای دارند و آن برنامه موافق با مصالح است و موافق با همین قضیه است که برای جلوگیری از اعتیاد و برای اینکه معتادین را معالجه بکنند، بسیار امر صحیحی است و لازم، البته فساد در این مملکت هم منحصر به اعتیاد نیست اعتیاد [و] اینطور فسادها [را] دامن زدند، زیاد کردند. اصل برنامه این بوده است که جوان‌های ما را به فساد بکشند.

اینها برای اینکه مبدا یک قدرتی یک وقت در مقابلشان قیام کنند، هر جا که احتمال یک قدرتی می‌دادند آن را باتمام قوا سرکوب کردند....

..... اینها می‌خواستند که هر قوه‌ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب بایستد و اربابها بایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند فکر را از او بگیرند فکر را چه طور بگیرند؟ به اعتیاد به مشروبات، به اعتیاد هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می‌گیرد؛ انسان را از میان تهی می‌کند، مراکز فحشائی که سرتاسر مملکت بود، مراکز فسادی که سرتاسر مملکت بود، خوب، این هم جوان‌ها را مشغول می‌کرد به یک امور شهوانی که بکلی افکار را از دستشان می‌گرفت. این یک برنامه بود این برنامه روی یک حساب [بود] نه اینکه همین طوری می‌شد. یک حساب، حساب دقیق این کارها انجام می‌گرفت. و الان روی یک حساب دقیق دارد یک کار دیگر انجام می‌گیرد. شما گمان نکنید که همین طوری الان صد تا گروه پیدا شده، صد تا گروه اظهار وجود کردند، صد تا بیشتر می‌گویند هست! اظهار وجود کرده اند، این همین طوری نیست صد گروه در یک مملکتی اظهار وجود کنند یعنی صد گروه با هم اختلاف پیدا بکنند، یعنی صد گروه با اسلام مخالف باشند بیشترشان. این همین طوری نیست که من باب اتفاق هر گروهی دلشان خواسته [تشکیل بدهند] خیر، یک دستی در کار است، که یا اینها دانسته هستند که خیانتکارند، چنانچه بسیاریشان اینطورند یا ملتفت نیستند و توجه به مسائل سیاسی ندارند. در یک موقعی که همه قدرت‌ها جمع شد با هم و ملت را با هم منسجم کرد، [و]

الان که وقت این است که نتیجه گرفته بشود و سازندگی بشود، در این موقع آمدند گروه های مختلف، دستجات مختلف، احزاب مختلف، هرکسی یک طرفی یک گروهی درست کرد، بسیاریشان در مقابل نهضت و در مقابل اسلام و بسیاریش هم اسم این را نمی بردند لکن واقعه همین طور است اینها یک مسائلی است که حساب کردند رویش خارجی ها. حساب کردند رویش آنهايي که مطالعه کردند در افکار ما، در عادات ما، در جمعیت های ما.

آنها از هر راهی می خواهند نگذارند که این نهضت به ثمر برسد.....

..... از چیزهای مهمی که در این باب بوده همین قضیه موادمخدر بود که با حساب موادمخدره می آید، نه این است که یک قاچاقچی این کار را می کند، یا قاچاقچی هایی؛ خیر، اینها حساب دارد، اینها روی حساب فهمیدند دانشگاه را باید چه طوری نگذارند عمل بکنند، مدارس علمی را باید چه جوری نگذارند کار بکنند - عرض می کنم که - جوان ها را چه جوری باید نگذارند که مفید برای جامعه باشند، نگذارند رشد بکنند. یک قسمش هم همین است که با اعتیاد، با هروئین و با تریاک و با امثال ذلک این کارها را رواج بدهند. اینها یک مسائل حساب شده است؛ شما اینها را پای چهار تا قاچاقچی حساب نکنید این "قاچاقچی بزرگها" این کارها را می کنند، این دستهای خارجی دارد این کارها را می کند این طور نیست که این مفسده هایی که الان در ایران دارد می شود مثلاً شما این را پای یک جمعیتی حساب بکنید که شلوغکارند، نخیر این روی حساب صحیح [و] دقیق پیش خودشان حساب شده است که باید این مملکت که بناست اسلامی بشود و اگر انشاء... اسلامی بشود، دست اینها دیگر تا آخر کوتاه است،

نه به نفتش می‌توانند دست بزنند و نه به مس‌اش می‌توانند و نه به سایر چیزهایش.

اینها می‌خواهند که نگذارند این نهضت به آخر برسد.....

اصلاً تمام اینها یک نقشه‌های حساب شده است. نه آن کسی که در سرحدات و اینها به اسم مثلاً کمونیستی و به اسم نمی‌دانم کذا شلوغ کاری می‌کنند. اینطور است که یک دسته ای خودشان همین طوری آمده‌اند می‌کنند. نه اینکه هروئین و رواج هروئین در سر تا سر مملکت همین طوری شده، و من باب اتفاق شده است؛ نه، اینها همه روی نقشه است.

نقشه کشیده اند اینها، که نگذارند این نهضت به ثمر برسد، چه بکنند. از همه اطراف خرابکاری. یک خرابکاری هایشان همین است که جوان‌ها را نگذارند یک جوان صحیح بار بیاید. که اگر یک نهضتی بشود، از این نیروی جوانی باید استفاده بشود، نگذارند نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابراین، خوب مسئله ای است که همه جوانب باید جلوگیری بشود؛ و البته همه جوانب را هم همه کس نمی‌تواند. هر دسته ای باید یک گوشه اش را بگیرند و درست بکنند. یک دسته مبارزه با مواد مخدره بکنند، یک دسته مبارزه بامشروبات بکنند، یک دسته مبارزه - عرض بکنم - با فسادهای دیگر بکنند؛ و همین طور. تا انشاءالله بلکه این نهضت به ثمر برسد و دولت اسلامی آنطوری که اسلام فرموده است، نه آن طوری که هواهای نفسانی بخواهد بکند آنی که اسلام فرموده است اگر انشاءالله این تحقق پیدا بکند، سعادت برای این ملت و سایر ملت‌ها [است]. انشاءالله کشیده می‌شود به سایر ملت‌ها.

ومن توفیق شمارا در این مجاهدت از خدا می خواهم و البته هر کس هم بتواند کمک کند به شما، کمک به امر خیری است.....

حضار : پاسداران و روحانیون تربت حیدریه ۱

..... روحانی به وظیفه روحانیتش، به وظیفه ای که اسلام برای روحانی تعیین کرده، عمل کند؛ پاسدار اسلام به وظیفه پاسداریش عمل بکند. پاسدار انقلاب است نه مخل به انقلاب، معارض با انقلاب. اگر ما یک خلافی بکنیم روحانی نیستیم؛ یک اشخاص شیطانی هستیم که صورت روحانیت به خودمان، لباس روحانیت پوشیدیم. اگر شما پاسدارها که قدرت الان دستتان است یک کاری بکنید که بر خلاف وظیفه پاسداری است، شما پاسدار اسلام و انقلاب نیستید؛ شما پاسدار هوای نفس خودتان هستید، به هوای نفستان عمل می کنید، به الهام شیطان عمل می کنید. اگر بازاری در جمهوری اسلامی همان بازاری باشد که در رژیم طاغوتی بود، نباید ادعا کند که بازار اسلام است. نه، بازار طاغوت است! آن اجحافات زیادی که الان دارد به این مستمندان می شود، این رباخواری که الان رواج دارد، این هروئین فروشی و - نمی دانم - زهر مارفروشی که الان رواج دارد؛ اینها را به عهده بازار اسلام حساب می کنند؛ به عهده جمهوری اسلامی حساب می کنند. مکتب ما شکست می خورد، اسلام شکست می خورد، اسلام دفن می شود، و دیگر کسی نمیتواند بیرونش بیاورد.....

حضار : نابینایان مدرسه ابا بصیر اصفهان ۱

..... افيونی وقتی افيون کشيد چرت ميزند و ديگر توجه به چيزی ندارد.....

حضار : مسئولان و کارکنان مجله خواندنی ها ۲

..... جوان های ما را از طريق های مختلف اينها می خواستند محتوایشان را از آنچه هستند خالی کنند [و] یک چيز ديگرشان کنند. یک وقت از راه موادمخدر، خوب اين یک راه بود. موادمخدر الان هم رایج است. یک راه از باب مراکز فساد - که ميدانيد که چقدر مراکز فساد درست کردند - و جوان های ما را به آن مراکز کشاندند و از آنی که بايد یک جوان استفاده از او بشود برای اسلام ، استفاده بشود برای کشور خودش، اينها را از آن استفاده انداختند، یک آدم همين جوری بار آوردند. کسانی که در مراکز فحشا می روند اينها ديگر نمی تواند نه فکرشان یک فکر صحيح باشد، نه عملشان یک عمل صحيح و اينها همين معنا را می خواهند که جوان های ما را کاری با آنها بياورند که محتوای خودشان را بگيرند، به جای آن یک چيز ديگری تزريق کنند و یکی از چيزهای مهم هم قضيه مطبوعات و سينماها، تئاترها، راديوها و اينها بود تمام اينها روی یک نقشه حساب شده برای اين بود که اين کشور را از آدم خالی کنند، از یک انسانی که بتواند در مقابل کسانی که به کشورش می خواهند خيانت بکنند، به اسلام

۱-جلد : ۸ ، صفحه : ۴۵۵ ، سخنرانی ، زمان : صبح ۱۴ تير ۱۳۵۸ ، مکان : قم

۲-جلد : ۸ ، صفحه : ۴۹۴ تا ۴۹۶ ، سخنرانی ، زمان : ۱۶ تير ۱۳۵۸ / ۱۲ شعبان ۱۳۹۹ ، مکان : قم

می خواهند تجاوز بکنند، بتواند در مقابل بایستد. این بساطی که اینها درست کرده اند و به آن دامن زده‌اند و زیاده‌تر از همه در همین زمانهای نزدیک به ما، در این پنجاه سال و این سالهای اخیر دیگر بیشتر، برای این بود که جوان‌های ما را از صحنه خارج کنند، به چه خارج کنند؟ این رشته طولانی قضیه موادمخدر است که شما خیال می‌کنید که این قاچاقچیها همان یک کاسبهایی هستند قاچاقچی، بی حساب است مسئله! من احتمال می‌دهم که این هم جز همان حساب‌هایی است که آنها می‌کنند. آنهايي که می‌خواهند شما را بچاپند، آنهايي که نمی‌خواهند ایران به پای خودش بایستد. هر کشوری با جوان‌هایش به پای خودش می‌ایستد. از یک راه جوان‌های ما را معتاد کردند به این مخدرات که دیگر یک کسی که معتاد به هرئین شد دیگر آدم اسمش را نمی‌شود گذاشت! یک موجودی است که آنجا نفس می‌کشد، این نمیتواند مبدأ یک کاری بشود، نمی‌تواند یک اداره‌ای را اداره کند، نمی‌تواند تفکر بکند در اموری که مملکتش احتیاج به او دارد. و همین‌طور مراکز فحشا که درست کردند، هر جا می‌رفتی یک مرکز فحشایی بود، جمع می‌شدند با هم. این اشخاصی که معتاد شدند به این، جوان است؟ جوان وقتی معتاد شد به این مراکز فحشا، همه چیزش می‌شود آن فحشا، این آن دیگر نمی‌تواند تفکر کند که مملکتش دارد چه می‌شود، نمیتواند تفکر کند که کی دارد مملکت را اداره میکند، چه جوری دارد اداره می‌کند؛ کاری به این کار ندارد. او فقط دنبال این است که ببیند که آن مرکز بهتر ارضا می‌کند او را، یا آن مرکز دیگر! دنبال همین است. یک عده کثیری از جوان‌های ما را هم کشیدند در این مراکز. سینماهای آن زمان هم

همین بود - حالایش را من نمی دانم - سینماهای آن زمان هم همین بود که کسانی که معتاد شده بودند بروند سینما، اینها دیگر نمی توانستند فکر کنند؛ بنشینند فکر کنند که کشورشان به چی احتیاج دارد، کی دارد کلاه سرشان می گذارد. اصلاً همچو فکری در آنها نمی آید؛ چنان خیالی منعکس نمی شود. هر چه در ذهنش می آید آن پرده سینما و آن بساطی که آنجا هست. سینمایی که باید معلم این جوان ها باشد، مربی این جوان ها باشد، اصلاح کند اینها را، جوری درستش کردند که به فساد می کشاند آنها را آنهایی که، عقلایی که، اینها را درست کردند اگر برای ماها درست کرده باشند، روی همان عقل خودشان، برای مهار ما، برای این است که جوان های ما را از دستمان بگیرند و اما برای خودشان اگر درست کرده باشند، ممکن است که یک اغراض صحیحی هم داشته باشند.....

حضار: ۲۶ تن از اهالی تهران ۱

..... آن رمزی که شما را پیروز کرد که ایمان به خدا، توجه به خدا [بود] که من در قیافه شما دارم می بینم این را؛ این را حفظش کنید؛ گله نکنید از دیگران، شما برای خدا دارید می کنید. هر چه توانستید، اینهایی که مبتلا هستند، اینها را هم نجات بدهید. هر چه که نتوانستید، عذر دارید پیش خدا. هر چه ماها توانستیم، آنهایی که افتاده اند بایست دستشان را بگیریم.

آنهايي که مبتلاي به اين مخدرات هستند ، اينها برادرهاي ما هستند. و ما بايد اينها را نجات بدهيم، با چشم پدري، برادري به اينها نگاه كنيم ، اينها را هدايت كنيم، نجات بدهيم، كوشش كنيم براي نجات اين جمعيت؛ نجات اين ملت. شما با اين عزم راسخ، با اين قوه ايمان، پياده آمده ايد. خواهرها بالاتر پياده آمده اند - و من خجلم از اين عواطف، من خجالت مي كشم كه خودم اينجا نشسته ام و دوستانم اين طور بيابانگري مي كنند. من دعاگوي شما هستم. خداوند انشاءالله شما را حفظ كند. شما ذخيره اسلام هستيد، شمائي كه جوان هايي هستيد كه ذخاير اين ملت هستيد. اين عواطف شما را پيروز كرد.....

..... توجه تان به خدا باشد ؛ خلق از شما پذيرفتند يا نپذيرفتند، چيزي نيست. كوشش تان همين باشد كه برادرهاي خودتان را نجات بدهيد؛ ملت خودتان را نجات بدهيد. كوشش اين باشد كه اسلام را ما بتوانيم در اين مملكت، آن طوري كه اسلام هست، آن طوري كه خدای تبارك و تعالی مقرر فرموده است، آن طور ما بتوانيم در ايران پياده كنيم .
راه طولاني است، قوي باشيد، قدرتمند باشيد؛ اراده تان قوي باشد.....

حضار : کارکنان راديو دريا ۱

..... برنامه هاي آنها اين است كه با كوشش ملت را به تباهي بکشند و نسل جوان را فاسد كنند. اگر نسل جوان فاسد نباشد آنها از آن خوف دارند و مي ترسند

که یک وقت نسل جوان یک عصیانی بکند و آنها را به تباهی بکشد. از این جهت، به وسائل مختلفه کوشش می‌کنند که نسل جوان را به تباهی بکشند که از مسائل روز و از مسائل زندگی کنار باشند. و مسائل متعدد، از قبیل مطبوعات که در خدمت آنها بود، رادیو و تلویزیون، سینما، تئاتر، تمام اینها که در خدمت آن رژیم‌های غیر توحیدی هست. تمام اینها برای این است که ملت را عقب برانند و از توجه به مقدرات خودشان غافل کنند، و احیاناً بکشانند به طرف خودشان، و آنها را سرگرم به کارهای غیرمقدرات خودشان بشوند و آنها هم منافع خودشان را ببرند و مطمئن باشند که کسی مخالفشان نیست. ولهذا جمیع مسائل فساد جوان‌ها را اینها فراهم می‌کردند، از قبیل مراکز فحشا که اطلاع لابد دارید که در تهران خصوصاً چقدر مراکز فحشا بوده است، به طرق مختلفه‌ای که بعضی از آنها گفتنی نیست اصلاً، همین طور اطراف دریا. در وقتی که، موقعی که مردم به دریا رو می‌آورند، یکی از اموری که آنها دامن می‌زدند همین اختلاطی بود که بین جوان‌ها و زن و مرد بود. و این نه از باب این بود که اینها می‌خواستند به جوان‌های ما مثلاً خوش بگذرد، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند. مراکزی که در آن مخدرات از قبیل مشروبات و دستگاه‌های تخدیری دیگر بود الی ماشاء... در سینما جوان‌های ما وارد می‌شوند، اگر چنانچه چند روز وارد می‌شدند عادت می‌کردند و سینما با آن صورت‌هایی که همه‌اش انحرافی بود، رادیوها همه انحرافی، مطبوعات از قبیل روزنامه‌ها، از قبیل مجلات، همه چیزهایی بودند که جوان‌های ما را منحرف کنند.

.....

مقالاتی که مربوط به سرنوشت ملت بود امکان نداشت در روزنامه‌ها نوشته بشود یا رادیوها خوانده بشود. مقالاتی که مخالف مسیر ملت بود، مخالف مصالح جامعه بود، اینها رایج بود. و مجلاتی که باید تربیت کند نسل جوان را، مبدل شده بود به آن تربیتی که همه ملاحظه کردید که مجلات ما چه وضع افتضاح آمیزی داشت. همه برای این بود که جوان‌ها را از مسیری که دارند و مسیر انسانی که باید اینها بروند منحرف کنند به یک مسیر دیگری، و استفاده کنند. استفاده همچو بکنند که تمام مصالح یک کشور را از بین ببرند، همه چیز را به تباهی بکشند، همه مخازن ما را به اجنبی بدهند، و کسی نباشد که “چرا” بگوید، برای اینکه توجه مردم را از آن چیزی که مربوط به زندگیشان است منحرف کردند. وقتی جوان‌ها - که اساس یک مملکت هستند، پایه یک مملکت هستند - همه جوان‌ها بروند طرف فحشا، طرف موادمخدره متوجه بشوند به این مجلات و به این اوضاع و به آن وضع رادیو و تلویزیون و به آن مسائلی که بود، دیگر از برای جوان نه وقتی می‌ماند که فکر کنند در این امور، و نه مغزش کار می‌کند. کسانی که به موادمخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند.....

..... حالا باید جدی بگیرد مسائل را، از آن هزل و شوخی و عرض می‌کنم که مسائل غیرجدی برگردید به آن مسائل جدی، مملکتان را اداره کنید؛ خودتان باید اداره کنید. دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو که آموزنده باید باشد، قدرت بدهد به جوان‌های ما، جوان‌های ما را نیرومند کند، نباید دستگاه تلویزیون

جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند. جوانی که نیرومند هست از نیرومندی برگردانند به یک حال خمار و به یک حال خلسه، مثل همان تریاک می ماند این هم اینقدر با او فرق ندارد، این یک جور خلسه می آورد، آن یک جور خلسه می آورد. اینها باید تبدیل بشود. اگر بخواهید مملکتان یک مملکت صحیح باشد، یک مملکت آزاد باشد، یک مملکت مستقل باشد، مسائل را از این به بعد جدی بگیرید. رادیو و تلویزیون را تبدیلیش کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده

حضار : دانشجویان کاشان ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

..... پنجاه و چند سال رژیمی که ما ادراک کردیم ، و ده - پانزده سال هم رژیمی که شماها که جوانید ادراک کردید، تمام همشان در انحراف بود. نیروی جوانی را و نیروی انسانی را می خواستند که منحرف کنند، و یا مشغول کنند به چیزهایی که مربوط به زندگی نیست. این همه مراکز فساد، این همه مراکز فحشا، این همه مخدرات، این همه مراکزی که باید آموزشی باشد برخلاف آموزش و فاسدکننده، اینها همین طور من باب اتفاق واقع نشده است. اینها نقشه داشته است، و با آن نقشه عمل شده است.

نقشه این بوده است که نگذارند نیروی فعال این مملکت رشد کند و به فعالیت انسانی خودش ادامه بدهد. ولهذا از طریق های مختلف، با برنامه‌های بسیار وسیع و مختلف، کوشش کردند که نیروی انسانی ما را نگذارند رشد بکند. آنها از نیروی انسانی می ترسند. اصلا از انسان می ترسند. آنها تجربه کرده‌اند که در دوران سابق گاهی یکنفر آدم وقتی پیدا شد در مقابلشان ایستاد و منافعشان را مانع شد که درست به آزادی ببرند. و لهدذا برنامه آنها - خارجی هایی که می خواهند استفاده از ما ببرند - این است که نگذارند انسان پیدا بشود و بهتر از همه چیز این است که نیروی جوانی را منحرف کنند از آن راهی که باید برود، بکشندش به طرف فحشا، بکشندش طرف سینمایی که از آن برنامه‌های فحشایی را داشت

..... تا از منزل بیرون بیاید، راهش راه این باشد که یا اطراف دریا برود و آن بساط، یا دنبال مراکزی که مهیا شده و آسانش کرده اند و ارزانش کرده اند برود، و عادتش بدهند به این مسائلی که شهوی است، به این مسائلی که مغز انسان را فاسد می کند، و همه مطلب این است که نگذارند تفکر کند در اموری که احتیاج به آن دارد، اگر جوان های ما اینطور عادت کردند که دائماً اذهانشان مشغول شد به آن چیزهایی که در سینما به آنها نشان داده‌اند و آن چیزهایی که از رادیو شنیده‌اند و آن چیزهایی که در خارج برایشان مهیا کرده‌اند، اینها تمام افکارشان متوجه به همان مسائل می‌شود.....

..... یک همچو موجودی نمی تواند در مسائل جدی فکر کند. اصلش فکرش نمی آید دنبال مسائل جدی. یک مغزی را که این طور تربیت کرده اند، این مغز نمی تواند اصلاً وارد بشود در یک فکر روز و فکر مسائل حیاتی و جدی، تمام افکارش متوجه به آن مسائل شهوانی و حیوانی است، این یک برنامه بوده. این همین طور اتفاق نیفتاده است که در این ممالک ما این طور، بیخود شده باشد، یا جوان ها این کارها را کرده. این فکر، یک مسئله ای بوده است که روی یک نقشه ای که از خارج داده اند به اینها و طرح کرده اند، و اینها هم در خارج اینها را عمل کرده اند. این یک باب واسعی است که علاوه بر آن مسائل دیگری که دارند، یک باب واسعی است که از همه اطراف چشم و گوش جوان های ما را از مسائل حیاتی ببندند، و به مسائل دیگر منحرف کنند

..... از آن طرف، تبلیغات دامنه دار که طبقه روحانی را جدا کنند از مسائل روز. آنچنان تبلیغ کرده بودند که اوایلی که من - همان سال اول و دوم - آمدم به قم، در قم وضع جوری بود که یکی از روحانیون که رئیس بود، مورد طعن مردم بود، می گفتند: در منزلش روزنامه پیدا می شود! روزنامه پیدا شدن در منزل یک روحانی را نقصش می دانستند. فلان آخوند "سیاسی" است! طعن می زدند به اینکه فلان آخوند "سیاسی" است. جدا می کردند روحانیون را، محدودشان می کردند به همان مسائل شخصی، و از مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی همچو جدا می کردند، و تبلیغات همچو بود که یک آخوندی اگر چنانچه

می‌خواست در این امور دخالت کند می‌ترسید از مردم، مطعون^۱ می‌شد، کنار گذاشته می‌شد، اینطور درست کرده بودند. این هم یک باب واسعی بود برای جداکردن روحانیون از مسائل روز.....

..... حالا باید ما به فکر این مسائل باشیم، هم طبقه روحانیون، و هم طبقه دانشگاهی و دانشجو، و سایر طبقات باید به فکر این مطلب باشیم که الان که اینها احساس کرده اند، لمس کردند که اتصال مردم به هم آنها را شکست داد و نتوانستند مقاومت کنند، روی وحدت کلمه جامعه نتوانستند مقاومت کنند، با تمام جدیتی که امریکا به صراحت و انگلستان به صراحت و شوروی هم برای حفظ این جرثومه فساد [کردند] نتوانستند حفظش کنند، و فهمیدند که این برای این بود که قشرهای مختلف با هم مجتمع شدند و مقصود همه هم، یک حکومت عدل اسلامی بود و مجتمع شدند در این مسئله حق، الان بیشتر ما احتیاج به این داریم که خودمان را حفظ کنیم و مجهز باشیم. پیشترها اینها همه کارها را البته می‌کردند، لکن مسائل کلی در نظرشان بود. اینکه شاید اینها باهم مجتمع بشوند، شاید این دو قوه متفکر روحانی و دانشگاهی با هم بشوند، شاید توده های مردم با اینها بشود، “ شاید ” ها بود، و روی شاید ها اینهمه نقشه ها بود! حالا احساس کردند، در این نهضت عیناً دیدند که مسئله چه بود، دیدند که همه قدرت ها در مقابل قدرت ایمان و اجتماع مردم بر امر اسلامی فشل^۲ شده است، الان بیشتر، نقشه های شیطانی در کار است، الان بیشتر ما باید هوشیار

۱- مورد طعن و لعن قرار گرفته

۲- سست، ضعیف

باشیم. گمان نکنیم به اینکه ما حالا دیگر این سد را شکستیم و تمام شد. الان اینها مشغول تجهیزند، اجتماعات، اتصالات و اشخاصی که با هم اصلش دوستی نداشتند، گروه هایی که با هم هیچ ارباب نداشتند، حالا پیوند کردند و پیوند می کنند. شما روزنامه‌ها را بخوانید، در همین قضیه قانون اساسی و خیرگان، ببینید چه گروه های با هم مجتمع شدند برای اینکه کاندیدا بدهند.....

مخاطب : اقشار مختلف مردم ۱

..... مع الاسف در مراکز هم یک آرا فاسد هست. اینها که آزادی می‌خواهند، اینها که می‌خواهند جوان های ما آزاد باشند، قلمفرسایی کنند برای آزادی جوان های ما، چه آزادی را می‌خواهند؟ می‌خواهند جوانان ما آزاد بشوند؛ قمارخانه‌ها باز باشد به طور آزاد، مشروباتخانه‌ها باز باشد به طور آزاد، عشرتخانه‌ها باز باشد به طور آزاد، هروئین‌کشها آزاد باشند، تریاک‌کشها آزاد باشند؛ دریاها آزاد باشند. و درها باز برای جوان ها. جوان های ما آزاد باشند و هر مفسده‌ای را بخواهند عمل کنند؛ به هر فحشا که می‌خواهند کشیده شوند. این چیزی است که از غرب دیکته شده است. این چیزی است که می‌خواهند جوانان ما - که می‌شود در مقابل آنها بایستند - را بی‌خاصیت کنند. ما می‌خواهیم جوانانمان را از میکده‌ها به میدان جنگ ببریم. ما می‌خواهیم جوانانمان را از عشرتکده‌ها به میدان جنگ ببریم، ما می‌خواهیم جوانانمان را از این سینماهایی که بود و جوان های ما را به

فساد می‌کشید دستشان را بگیریم و به جاهایی ببریم که برای ملت فایده داشته باشد. این آزادی که آقایان می‌خواهند آزادی است که قدرتمندها دیکته کرده‌اند؛

.....

..... جوان هایی که در عشرتگاه ها هستند بی تفاوتند. جوان هایی که مبتلا به مخدرات هستند در امور کشوری بی تفاوت‌اند. جوان هایی که در مراکز فحشا بزرگ می‌شوند نسبت به مصالح مملکت کار ندارند. این جوان ها به مصالح مملکت کار دارند که از این مسائل دورند؛ در تحت تربیت اسلامی هستند. رئیس پاسدارها به من گفت جوان های ما شب، نماز شب می‌خوانند و در قنوت فلان دعا، دعای مفصل را می‌خوانند. اینها می‌توانند مملکت نگه دارند. ما می‌خواهیم مملکت حفظ کنیم. حفظ مملکت به آزادی که شما می‌گویید نیست. این آزادی مملکت را، بر باد می‌دهد. این آزادی که شما می‌خواهید آزادی دیکته شده است؛ برای اینکه مملکت را بیلعد و جوانی ما نداشته باشیم جواب بدهد. چنانچه دیدیم که عمل کردند و چه شد، چه مصیبت هایی به مملکت ما وارد شد؛ برای اینکه جوان های ما را به فساد کشیده بودند. ما می‌خواهیم جوانانمان را از چوب وافور رها کنیم، مسلسل دست آنها بدهیم. ما می‌خواهیم جوانانمان را از وافور رها کنیم، و به میدان جنگ ببریم. شما می‌خواهید که ما آزاد بگذاریم تا جوانان و ما فاسد بشوند، و اربابان شما بهره بردارند.....

حضار : کارکنان بخش رادیو ۱

..... مقصد آنهایی که اینها را پیش آورده بودند در همه جاها که شما قدم می گذاشتید در آن یک چیز نمایان بود که اشخاص عمیق آن یک چیز را می فهمند و آن اینکه نگذارند جوان های ما رشد کنند. جوان های ما را بار بیاورند به طوری که در قید این نباشند که مملکتش چه در آن می گذرد.....

..... همه اینها در یک مطلب شریک بودند و [آن اینکه] جوان های ما را بی تفاوت کنند راجع به مسائل خودشان، یک جوانی که عادت کرد که هر روز برود و یا هر شب برود در سینما و آنطور مسائل را ببیند، این دیگر فکرش نمی رود دنبال اینکه نفت ما را که می خورند کجا می رود این نفت این ثروت ما کجا می رود اصلاً تو فکرش نمی آید. این همان مثل آدم هروئینی می ماند، یک آدم هروئینی اصلش فکرش دنبال این نیست که چه می گذرد. او همه اش دنبال این است که چه وقت، وقت هروئین بشود یا وقت استعمال تریاک بشود. آن کسی که عادت کرد که برود در این مراکز فحشا تمام هم و غمش همان مراکز فحشاست. حالا چه می گذرد در این مملکت چه به سرش دارد می آید پیشش مطرح نیست، دنبال این مطلب نیست.

تمام این مسائلی که در این پنجاه سال اخیر اینها پیش آوردند و خصوصاً در زمان این دومی که از اولی بدتر بود. تمام این مسائل دیکته ای بود که شده بود برای اینکه جوان های ما را بی تفاوت کنند.....

..... مملکت ، مملکت است به جوانش؛ به نیروی انسانیش . چیزی که نیروی انسانی را به باد بدهد مملکت را به باد می دهد اگر یک مملکتی نیروی انسانی نداشته باشد، این مملکت نمی تواند اداره بشود. و اینطور آزادی که این آقایان می خواهند، این آزادی است که نیروی انسانی را به تباهی می کشد؛ و به آنجا می کشد که هر چه سرش بیاورند حرف نزنند؛ و یعنی حرف نزنند، مطرح نیست پیشش، او تمام همش به این است که چه وقت تابستان بشود و چه وقت این بشود که بروند دریا، تمام همش به این است که چه وقت شب بشود و برود سینما، چه وقت این مثلاً قضایای رادیو - تلویزیون پیش بیاید و بنشیند تماشا، نمی تواند، همان طور که آدم تریاکی نمی تواند از پای منقل پا شود برود سراغ فرض کنید که جهاد سازندگی، از پای منقل نمی تواند فکر این معنا را بکند که به مملکت ماچه می گذرد، فرهنگ ما چه شده است، اقتصاد ما چه شده است. نمی تواند فکر کند، اینها هم می خواهند همین جور باشند. آنهایی که می خواهند مارا غارت کنند.....

حضار : اقشار مختلف مردم ۱

..... این یک آزادی وارداتی است که از غرب آمده است ” آزادی استعماری“ است. یعنی ممالک مستعمره را دیکته کردند به آنهایی که خائن به مملکت هستند به اینکه ترویج این آزادی ها را بکنید. آزادند که هروئین بکشند، چه

بکنند. آزادند که افیون بکشند، آزادند که به قمار خانه‌ها بروند، آزادند که به عشرتخانه‌ها بروند، آزادند که به سینماها بروند. نتیجه چه؟ نتیجه اینکه این جوان هایی که باید برای یک مملکت و برای سرنوشت یک مملکت فعالیت داشته باشند نسبت به سرنوشت مملکت بی تفاوت باشند.....

..... یک آدم افیونی نمی‌تواند فکر کند برای یک مملکت . یک آدمی که مغزش به موسیقی عادت کرد نمی‌تواند برای مملکت مفید باشد

..... موسی علیه‌السلام مامور شد: ان اخرج؛ قومت را از ظلمات به نور (ببر) ماموریت این است. ماموریت همه انبیا این است که اینها را از این ظلمتها، از این چیزهایی که برخلاف مسیر انسانیت است، برخلاف مسیر ملیت است، اینها را خارج کند، و متوجه به نور کند، وارد کند و در نور وحی و نورانی باشد. قلب نورانی نمی‌تواند ببیند که مآثر و مفاخرش را دارند زیر پا می‌گذارند و حرف نزنند. نمی‌تواند یک قلب نورانی ببیند که ملتش را به این ذلت کشیدند.....

حضار : خانواده‌های شهداء انقلاب اسلامی ۱

..... آن آزادی هم که آنها می‌خواستند برای مملکت ما - حالا هم بعضی از نویسندگانی ما پیشنهاد همان را دارند ! - آن آزادی است که هم جوان های پسر ما را و هم جوان های دختر ما را به تباهی می‌کشد. آن آزادی را آنها می‌خواهند. که من از این تعبیر می‌کنم به آزادی وارداتی، ” آزادی استعماری “؛

یعنی یک آزادی که در ممالکی که می‌خواهند وابسته به غیر باشد این آزادیها را سوغات می‌آورند: هروئین آزاد؛ مثلاً مشروبات هم آزاد؛

..... تربیت کنید این بچه‌ها را به تربیت انسانی، تربیت اسلامی که همان تربیت انسانی است. اگر این مملکت مسلمان بشود، تربیت تربیت اسلامی باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابلش بایستد. چنانچه دیدید که این قدرتی که شکست داد این قدرت بزرگ را همین قدرت ایمان بود. همین بود که فریاد می‌کردند که شهادت می‌خواهیم. حالا هم دارند هی می‌گویند، هی هم زنها هم می‌گویند؛ مردها هم می‌گویند. این قدرت بود که جلوی این فسادها را گرفت و شکست داد اینها را. این قدرت را حفظش کنید. اگر بخواهید مملکتان یک مملکتی باشد از خودتان باشد، کشورتان یک کشور سالم باشد، یک کشور مفید باشد، خودکفا باشد،

..... روحانیت با ترقی مخالف نیست؛ با ترقی محمدرضایی مخالف است. با این تمدن "دروازه تمدن" مخالف است. این "دروازه تمدنی" که همه چیز ما را به باد داد. با این آزادی "آزاد زنان و آزاد مردانی" که ایشان می‌گویند مخالفند؛ نه با آزادی. آزادی سر جای خودش، اما بی بند و باری؟ آزادی یعنی هر که دلش می‌خواهد هر کاری بکند! می‌خواهم هروئین بکشم، به شما چه! می‌خواهم قمار کنم! می‌خواهم کارهای زشت بکنم! با این مخالف است روحانیت. نه با این آزادی بیان؛ نه با آزادی قلم؛ نه با آزادی گفتار؛ نه با روشنگریها؛ نه با صنعت.....

حضار : بانوان مجتمع آموزشی طيبة پیراسته لنگرود ۱

..... شما خواهرها و برادرها همه فهمیدید که باید خودتان مملکت خودتان را اداره کنید، خودتان آن قشرهای فاسد را بیرون کنید ، و بیرون کردید. خود شما مشغول آموزش باشید و مشغول پرورش دخترها و پسرها باشید، و مشغول هستید. و البته شغل بسیار شغل شریف، ولی مسئولیتش هم زیاد است. شغلستان شریف است، مسئولیتش هم زیاد است. یعنی مسئولید که این بچه ها را تربیت بکنید، این دختر بچه ها را تربیت اسلامی، تربیت انسانی. روح های آنها را متحول کنید به یک روح انسانی و اسلامی تا برای مملکتان مفید باشد. در مقابل اینکه آنها بنا داشتند این جوان های ما را فاسد کنند تا اینکه بی تفاوت بشوند راجع به مسائل خودشان. هر قضیه ای، هر بلایی سرشان بیاید، این جوان هروثینی دیگر نمی تواند فکر بکند به اینکه سر این مملکت چه آمده است. آن جوانی که عادت کرده هر روز برود به سینماهای آن تربیتی و نمی دانم کذا، این دیگر نمی تواند فکر کند که مملکتش چه دارد می شود. آنها هم می خواستند همین طور بشود. و من امیدوارم که با این نهضتی که ارواح شما هم نهضت کرده است، اجسام شما هم نهضت کردند، و همه توجه به اسلام و توجه به قرآن کریم، ان شاء الله این مملکت بزودی اصلاح بشود.

.....

حضار: مسئولان و کارکنان آموزش و پرورش تهران ۱

..... روی هم رفته اگر ملاحظه کنید، از همه کارهائی که در آن زمان انجام می‌گرفت، در زمان این پدر و پسر - در زمان پسر شاید بیشتر - در یک معنا مشترک بود و آن اینکه جوان‌ها را بکشند به غیر آن طوری که باید تربیت بشوند. اینطور نیست که ما همچو ساده تصور بکنیم که بدون نقشه، قضیه اینطور بشود که اینقدر مشروبخانه در سرتاسر ایران باز باشد، و اینقدر مراکز فساد در همه جا و خصوصاً تهران که با وضع وحشتناکی مراکز فساد، هرجوری که جوان می‌پذیرد برای آن فراهم کنند و دامن بزنند. نمی‌توانیم ما باورمان بیاید که این مجله‌ها و این مطبوعات، این مجله‌هایی که هم جوان وقتی چشمش بیفتد به آن و هم وقتی بخواند - جوان است و به تباهی کشیده می‌شود - این بدون اینکه نقشه‌ای باشد و اینها من باب اتفاق این جور شده باشد، مسئله اینها نیست. یک طرحی بوده است که جوان‌های ما را آنهايي که می‌خواهند، می‌توانند، تربیت کنند، آنها را یک جوری کنند که نتوانند. از ایشان قدرت تربیت را بگیرند. یا اشخاصی را که خودشان می‌خواهند در دانشگاه‌ها و در دبیرستان‌ها و آنجا بگذارند به آن طوری که می‌خواهند تربیت کنند. و از آن طرف تمام راههای تعیش را به روی جوان‌ها باز کنند که هر ساعتی که این بخواهد یک عیش و نوشی بکند برایش فراهم باشد، آسان باشد. و دامن هم به آن بزنند تبلیغات هم بکنند - عرض کنم - اعلام هم بکنند و اینها را بکشند به طرف آن،

نتیجه چی میشد؟ نتیجه این میشد که این نسل جوانی که باید برای این کشور مفید باشد، این نسل جوان بی تفاوت باشد نسبت به مسائل جدی، یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش کند - موسیقی که الان هم هست که خیر، موسیقی یک چیزی مثلاً تربیتی است - یک مغزی که دنبال این رفت که موسیقی گوش بکند، وعادت به این [کرد] این مغز مریض میشود، این نمی تواند فکر این بکند، که کشورش به چه حال دارد میگذرد، چه میگذرد در آن، دیگر دنبال این نیست، مثل یک آدم هروئینی می ماند.

..... اینها تمام یک نقشه‌ای بوده است که ما را جوان های ما را، نگذارند به مسائل روزشان، به مسائل جدیدشان، فکر بکنند، در ذهنشان هم نیاید همچو فکری. همه چیز هم برای آن ها فراهم کردند، همه جور هم فراهم کردند. خوب، جوان هم وقت جوانی اش است و وقتی عیش و نوش برایش فراهم باشد، کشیده میشود به آنجا. این همه نقشه‌ها برای این بود که از آن طرف نیروهایی که میتوانند تربیت کنند جوان ها را یا از بین ببرند، یا لاقط محدودش کنند، و یک طورش کنند که روی همان مسائل آنها فکرها به کار بیفتد. و از آن طرف، باز به این قانع نشدند، جوان ها را از راههای دیگر، باز کردن مراکز فساد و فحشا و همه چیز، اینها را به تباهی بکشند به صورتهای مختلف، با وضعهای مختلف، با برنامه های مختلف. همه شرکت در این معنا داشتند که ما از آن چیزی که هستیم تهی بشویم، مغزهای ما از آنی که هست تهی بشود. به جای مغز آدم جدی، یک مغز لهو و لعبی جایش بنشیند، یا یک مغز غربی جایش بنشیند

حضار: عشایر استان آذربایجان شرقی، کارکنان اداره دارایی کرمان ۱

..... جوان های رشید، خودشان از مرزهای خودشان پاسداری کنند همه. همه ما هم از شما اطاعت می کنیم. من هم مطیع شما هستم؛ اما همه مطیع خدا، همه ما مطیع خدا. خدا از شما می خواهد که مرزهایی که آنجا هست و حالا خیلی ژاندامری قوی نیست در آنجا، یا ارتش خیلی قوی نیست در آنجا، لکن جوان های شما قوی هستند، این عشایر شما، آن سرحدات را حفظ بکنید نگذارید این اشخاص از خارج بیایند اسلحه بدهند، یک وقت خدای نخواستہ یک غائله ای آنجا هم پیدا بشود. خودتان حفظ بکنید، کمک کنید به دولت. و همین طور شما آقایان هر جا هستید کمک کنید به این نهضت، نهضت را حفظش بکنید، تا این شاء ا... مطالب به آخر برسد. یک مملکت اسلامی پاکیزه، اسلامی که نه هروئین در آن باشد؛ نه مشروبات در آن باشد؛ نه این مراکز فساد باشد، این مراکزی که به تباهی کشید جوان های ما را. یک مملکت صحیح، آرام، دلپسند و با رفاه و دلگرم باشد. و من دعاگوی همه تان هستم، خدمتگذار به همه تان.

حضار: روحانیون منطقه تجریش ۲

.....ملتی که با مشیت محکم تو دهن امپراتورها زد، تو دهن ابرقدرتها زد، برای یک همچو کارهای جزئی - که یک دسته دزد و یک دسته قاچاقچی انجام می دهند - هیچ ابدای خوفی به خودتان راه ندهید.....

۱-جلد: ۱۰، صفحه: ۵۶ و ۵۷، سخنرانی، زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۵۸، مکان: قم

۲-جلد: ۱۰، صفحه: ۲۶۳، سخنرانی، زمان: ۱۹ مهر ۱۳۵۸/۱۹ ذی قعدة ۱۳۹۹، مکان: قم

حضار : دبیران عضو انجمن اسلامی آذربایجان شرقی ۱

..... شما معلم ها و همه اساتید توجه کنید به این معنا که غرب به ما چیزی نمی‌دهد که مفید باشد. دارد چیز مفید، اما به ما نمی‌دهد، صادر نمی‌کند. آنی که - به ما صادر - برای ما صادر می‌کند آن چیزهایی است که مملکت های ما را به تباهی می‌کشد. آزادی صادر می‌کند، اما آزادی برای اینکه هر که هر فحشایی را می‌خواهد بکند آزاد است! مع الاصف اینهایی هم که در ایران هستند و آزادی طلب هستند باز وقتی که می‌بینید یک چیزی که برای مملکت ما تباهی داشته است و جلویش را گرفتند آنها فریادشان درآمده است که اختناق است! اختناق این است که قلمهایی که بخواهند به نفع یک کشوری، به نفع کشور شما ، به نفع اسلام شما، به نفع ملت شما، بکار برود جلویش را بگیرد. اگر چنانچه یک چیزی که بر ضرر جامعه ما هست، بر ضرر نهضت ما هست، بر ضرر کشور ما هست، توطئه در کار باشد، جلویش را بگیرند، این اسمش اختناق نیست، این اسمش جلوگیری از فساد است. این دو تا را باید این دو مرز را از هم جدا کرد. جلوگیری از فساد، آزاد قرار ندادن جوان ها را در اینکه در این مراکز فحشا وارد بشوند، هروئینی بشوند، تریاکی بشوند، به فحشا وارد بشوند، قمار باز بشوند، و امثال ذلک، جلوگیری از اینها، اسمش جلوگیری از آزادی نیست و اسمش اختناق نیست. اسمش عمل کردن بنفع خود جوان هاست. در طول این مدتی که این سلسله خبیث در ایران حکومت کردند، یک چیزها آزاد بود، هر که هر کاری

دلش بخواهد بکند، دخالت در امور مملکتی و دخالت در سرنوشت خود کشور نباشد، هر کاری می‌خواهند بکنند.....

حضار : فرهنگیان و معلمان شهرستان محلات ۱

..... یک کار دیگر هم که آنها می‌کردند - کارها زیاد بود، یعنی برنامه زیاد بود - اینکه قشر جوان را، در مفاصل رابه روی آنها باز کردند. در همه شهرها، خصوصاً تهران که بیشتر از همه جا مورد نظر بود، آن جاهایی که جوان اگر برود در آن فاسد می‌شود، درهای آن باز بود به روی آنها. تبلیغات هم از همه طرف. سینماها به آن وضعی که شنیدید. مراکز فساد به آنطوری که گفته شده است. مراکز فروش مشروبات الکلی که از کتابخانه زیادتر بود. از کتابفروشی زیادتر بود. می‌گفتند بین تهران تا شمیران و آنجاها چقدر جاهایی بود که برای فحشا مهیا کرده بودند. این قشر جوان که باید از او کار برآید و از او امید هست و می‌تواند برای کشور خودش خدمت بکند، اینها را از آنجایی که مرکز خدمت است می‌کشاندند به مراکز فحشا، تا اینها را یک موجود مهمل بار بیاورند. چنانچه این خوب دیگر اخیراً منتهی شد به اینکه زمان این مردک [محمد رضا پهلوی] شد. و این از پدرش عمیقتر کار می‌کرد. این بیشتر از او نقشه داشت. یعنی نقشه‌ای که برایش دستش داده بودند. این هروئین به این فراوانی، که الان هم ملت ما به شرش مبتلا هست، این یک مسئله نبود که همین [طور] من باب اتفاق همچو

توسعه پیدا کند. این یک برنامه بوده است. برای اینکه وقتی یک جوانی هروئینی بشود دیگر همه چیزش را از دست می‌دهد. یک قوه فعاله است. این قوه فعاله وقتی که مبتلای به هروئین بشود، مبتلا به مشروبات بشود، عادت کند که به سینما برود، به سینمای کذائی، عادت کند که به این مرکزهای فحشا برود که همه اینها را برای اینکه این قشر جوانی که آمال یک کشور است، این را نگذارند که بیدار بشود، همه چیزش را ببرند، این بی‌تفاوت باشد. آدم هروئینی اینطوری است. آدم تریاکی اینطوری است. آدمی که مبتلای به مسکرات است اینطوری است. آدمی که مبتلای به فحشا است اینطوری است، که اگر هر بساطی سرش درآوردند این دیگر نمی‌تواند که قیام کند و کار انجام بدهد. اینها خواستند که مملکت ما این طور بشود که قشر جوانش از بین برود. بی‌تفاوت بشود، و هر چه اینجا دارند ببرند، و آنها هم توجه به آن نکنند. در هر جا به یک نقشه‌ای توسل پیدا کردند. تا اینکه نگذارند این مملکت بیدار بشود.....

حضار: اعضای موسسه اسلامی مستضعفان مبارزه با اعتیاد ۱

.....یک باب دیگر معتادین است. شما این را مسئله اتفاقی ندانید که من باب اتفاق یک دسته‌ای هروئین فروش شدند و یک دسته ای هم مبتلا شدند. این هم یک مسئله‌ای است که ما داریم ضربه اش را از همین قدرت های بزرگ

می خوریم. توطئه است. یعنی قشر جوان قشری است که می شود از آن همه جور استفاده را کرد.

قشر جوان قشری است که اقتصاد ما را می تواند اداره کند. می تواند که مجهز کند خودش را در مقابل جهات مثلاً فرهنگی، جهات نظامی جهات سیاسی. همه اینها به دوش قشر جوان است. پیر مردها مثل من کنار افتاده اند. آن که کار ازش می آید این قشر است. خوب چه بکنند که همه چیز را از دست ما می گیرند. این جوان در حالی که جوانی اش ارزشمند است، افکارش آن قدر عمیق نیست که توطئه ها را تا آخر بتواند بخواند. خیال می کند که خوب، حالا دلمان می خواهد که تریاک بکشیم، هروئین - فرض کنید - چه بکشیم. نمی داند که این یک نقشه ای است که برای تو نیست، برای قم نیست، برای سرتاسر کشور است و برای فلج کردن جوان های ماست که اینها را از کار بیندازند. یک آدم هروئینی نمی تواند فکر کند در سیاست. نمی تواند عمل کند در اقتصاد. نمی تواند اگر یک گرفتاری پیش بیاید پا شود برود در جنگ. یک آدمی که به این موادمخدره مبتلا شده است، این از یک موجود مهمل بار آمده. همه عالم وقتی به هم بخورد این همین طور آنجا نشسته چرت می زند، یا مشغول عیاشی است. اگر از آن راه باشد، اینها از راههای مختلف، در این رژیم، از رژیم سابق هم بوده، لکن در این رژیم بیشتر. در زمان این مرد [محمد رضا] هم از همه بیشتر. یک نقشه های مختلفی است برای جوان های ما. یک بابش همین باب مخدرات است؛ تریاک و هروئین و امثال ذالک، که این را همین طوری که شما الان مشغولید یک کار الهی است شما دارید می کنید. مسئله نجات یک آدم

نیست، مسئله نجات اسلام است. مسئله آن هم اگر بود لازم بود. اما مسئله بالاتر از اینهاست، عمیق است مسئله. همانطوریکه پخش هروئین در سرتاسر کشور به توسط اشخاص، که یا نمی دانند دارند چه می کنند، یا دانسته می کنند، این روی توطئه ای است برای اینکه قشر جوان را مهمل بار بیاورند، که نفتش را می برند این مشغول هروئینش باشد. شرافت ملیش را دارند می برند این مشغول تریاکش باشد. این همه اشخاصی که بتوانند جلو اینها را بگیرند معالجه شان بکنند، باید معالجه بکنند، نصیحتشان کنند که آقا یک موجودی که می خواهد همه کار ازش می خواهد بیاید چرا خودت را مهمل می کنی، که چند دفعه این کار را بکنی بعدش یک آدم مهملی بشوی که هیچ کار ازت نیاید. برو معالجه کن. در بین مردم واقع بشو. در جناح خلاقه واقع بشو. این یک امری است لازم، این هم از آن اموری است که باز برمی گردد به حفظ حیثیت یک ملت و اسلام. اگر اسلام نداشته باشد، اگر کشور ما نداشت این جوان ها را که فریاد زدند و مشتشان را گره کردند، الله اکبر گفتند و اینها را بیرون کردند، اگر فرض کنید که جوان های ما خدای نخواستہ مبتلا به هروئین بودند این کار را می توانستند بکنند؟ آدم وافوری می تواند پا شود توی خیابان مشتش را گره کند و جنگ کند. و آدم هروئینی می تواند این کار را بکند.

این یک باب است که باز چون برگشتش به حیثیت اسلام است لازم است. یعنی واجب است به هروئینی ها که بروند خودشان را معالجه کنند، و حرام است برای اشخاصی که نیستند در این باب بروند وارد بشوند، چه هروئین و چه تریاک و اینها و چه مشروبات و امثال اینها. همه اینها انسان را از آنی که هست ساقطش

می کند. یعنی یک آدمی که همه کار می توانست بکند، یک آدم بی کاره که باید بنشیند لب این منقل و چرت بزند، یا بنشیند آنجا و دنبال اینکه یک هروئینی بکشد که چیها به سرش می آورد.

.....اینها همه نقشه است که ذخایر ما را ببرند. نفت تنها هم نیست، ایران ذخایر خیلی دارد آنها هم اطلاع دارند از آن. کی می تواند جلوگیری از اینها؟ نسل جوان می تواند. نسل جوان است که می تواند جلو این فسادها را بگیرد. جلو این حمله ها را بگیرد. اینها این نسل جوان را می خواهند مبتلا کنند یا به موادمخدره یا به آن عیش و نوش که آن هم همان موادمخدره است. مغز آنها را تهی کنند. از آن چیزی که می تواند عمل بکند. مهملش بار بیاورند که دنیا را اگر آب ببرد این آدم را خواب می برد. اگر دنیا بهم بخورد این آدمی که عادت کرد برود در آن مرکز و با فلان آدم غیر عادی چه بشود این دنبال او هست. چکار دارد که مملکتش را دارند می برند. جهنم که می برند! اینطور بار می آورند. ما را که همچو بیتفاوت، جوان های ما را بی تفاوت بار می آورند که هر کاری بشود به من چه ربطی دارد

جوانی که باید اگر یکجا صحبتی شد که می خواهد به حیثیت کشورش، به حیثیت ملتش به حیثیت اسلامی بر بخورد باید پا شود برود سراغ آن کار همچنانست بکنند که از پای این منقل نتواند حرکت کند و از پای آن پیاله هم نتواند حرکت کند. اینها آقا نقشه است اینها قضیه ای نیست که همین جوری شده است و ما خیال کنیم که جوان ها خوب جوان اند و فلان. شما دیدید که در این قضیه این جوان ها از همان مراکز برای اینکه خدا خواسته بود و ملت قیام

کرد از آنجاها کشیده شدند به اینطرف. حالا هم باید فکر بکنند که ما باز در جنگ هستیم. در جنگ سیاسی هستیم در جنگ اقتصادی هستیم. محتمل است جنگ نظامی پیش بیاید و جوان ها ما باید از این مراکز گریز پیدا بکنند برای خاطر اسلام برای خاطر ملت برای خاطر کشور برای خاطر حیثیت خودشان برای نوامیس خودشان باید اینها از آن مرکز بیایند در این مرکزهای صحیح. در تربیتیه‌های صحیح و خداوند انشاء... همه را توفیق بدهد. و من وحشت کردم از این افرادی که در اینجا عکسهایشان را نشان دادید. این مال قم است یا اینکه مال ... من چند تا ورق دارم که می بینم سر تا تهش پر از عکس است. اینها یا گرفتار هستند یا آنهایند که نمی دانم حالا آنها هم که ... چرا این قدر ما باید معتاد داشته باشیم، و چرا اینقدر اینها باید غفلت داشته باشند. از اینکه در مثل قم آن وقت آیا در جاهای دیگر چه جور باشد انشاء... خداوند شما را [یاری کند].

امیدوارم که همه ایران توجه به این معنا داشته باشند این نکته اصیلی که من دارم عرض می کنم، این نکته ای که اصیل است در مسئله . و آن نکته اینکه مسئله، مسئله نقشه و توطئه است که جوان های ما را بکشند دنبال این کارها به اسم اینکه می خواهند برایتان مراکز مثلاً عیش و نوش درست کنیم. مسئله این نیست. می خواهند شما را از همه چیز ساقط کنند و همه چیزتان را ببرند این در سر تا سر ایران همان طوریکه قم بحمد... در هر امری جلو می افتد در امور، همه جا این کار را بکنند، که هم کشاورزی را تقویت بکنند - به آنطوریکه شما ها کردید و می گوید که امید است که خودکفا بشویم در همین سال. و من امیدوارم انشاء... همه ایران بشود و هم سایر جاها. همه جا باید مشغول باشند و

از این طرف کشاورزی‌شان را تقویت کنند از آن طرف جوان هاشان را نجات بدهند از این گرفتاری هایی که پیدا کرده‌اند و خود جوان ها توجه داشته باشند که قضیه استعمار است. آلت دست استعمار نشوید. آلت دست دشمن های ما نشوید دشمن های ما بیدارند، شما هم بیدار بشوید. خداوند همه‌تان را انشاء ا... تقویت کند. همه تان موفق و مؤید.

حضار : کارکنان جهاد سازندگی تبریز ۱

بسم ا...الرحمن الرحیم

..... این تحولی که در جوان های ما، در انسانها، آن هایی که متعهد هستند پیدا شده است، اهمیتش بیشتر از آن تحولی است که در مملکت پیدا شده است. تحولی که در کشور پیدا شد این بود که با همت شما جوان ها، همه قشرها، زن و مرد، بزرگ و کوچک این سد باطل را، سد شیطانی را شکستید و شیطان ها را از حریم اسلام بیرون کردید. این تحولی است که در کشور پیدا شد و رژیم طاغوتی به رژیم اسلامی آن هم به همت همه برگشت. لکن این چیزی که بسیار مهم است و آن چیزی که اجانب روی آن بیشتر کار می‌کردند و کردند، آن انسانهاست. در سال های طولانی که اخیرا پیوسته قوه پیدا کرد، اینها در صدد بودند که این انسان ها را از آن حالی که به حسب طبع خودشان و فطرت اسلامی خودشان هست برگردانند به یک حال دیگر، و نگذارند نیروی انسانی

این کشور بلکه نیروی انسانی شرق پیش برود با شیوه‌های مختلف، در هر جا به یک شیوه خاصی و طرح خاصی انجام این کار را می‌خواستند بدهند که جوان‌های ما از آن قدرت فعاله که دارند برگردند به یک حال سستی و رخوت و بیتفاوتی. این همه مراکز فحشا که اینها درست کردند و دامن به آنها زدند، تبلیغات کردند، روزنامه‌ها و مجلاتشان، رادیو و تلویزیونشان دامن زد به این مراکز و به این فساد، اینها همچو نبود که بدون یک توطئه‌ای باشد. آنکه به نظر می‌رسد این بود که یک توطئه‌ای بود برای اینکه جوان‌ها را وارد کنند به این مراکز، و از آن قدرت فعاله‌ای که دارند اینها را خلع سلاح کنند شما می‌دانید که خوب، جوان‌ها در آن غرور جوانی که دارند زود به دام یک مراکز فساد کشیده می‌شوند. و باز با تجربه معلوم است که اشخاصی که عادت کردند به اینکه در این مراکز بروند و مشغول باشند. اینها دیگر نمی‌توانند آن قوه فعاله‌ای که باید داشته باشند. هروئین و تریاک و موادمخدر و مشروبات یک باب است که کسانی که عادی بشوند به اینها، دیگر از آنان کار نمی‌آید.

شما اگر توجه کرده باشید در همین جهاد سازندگی که شما جوان‌ها خداوند حفظتان کند وارد شدید، اگر شخصی باشد که عادت به هروئین داشته باشد نمی‌تواند اینجا کار کند. آنهایی که می‌توانند فعالیت داشته باشند آنها می‌توانند که از این عادات برکنار باشند آنهایی که عادت کردند به اینکه در این مراکز که برای به‌خیال خودشان تفریح، به حسب واقع برای فاسد کردن جوان‌ها درست کردند، آنهایی که عادت کردند به آن، نمی‌آیند دنبال این کارها
.....

حضار: استادان دانشگاه تهران ۱

..... آزادی صادراتی! آزادی است که بچه‌های ما را به فحشا کشاند و مراکز فساد هر چه خواست زیاد شد به اسم آزادی. به اسم آزادی همه مطبوعات ما در خدمت آنها بودند. برای اینکه این بچه‌های ما را، جوان‌های ما را از دانشگاه منصرف کنند و به فحشا بکشند. در عین حالی که دانشگاه باز یک دانشگاه مطلوب نبود لکن همین مقدارش هم دوست نداشتند اینها باشد اینها جوان‌های ما را از آنجائی که مرکز کار است، برای فعالیت است، بیرون بیاورند، به مراکز بردند که تنیل پرور است. تمام مراکز فحشا تنیل پرور است، آدم را تنیل می‌کند. یک کسی که عادت کرد که شب برود سینما، آن سینماها، نه سینمای آموزنده، آن سینماهایی که همه‌اش برای این بود که ما را تخدیر کند، این وقتی عادت کرد به آن مراکز یا به آن مراکز فحشائی که لابد شنیدید که در تهران چقدر بوده بین تهران و شمیران چقدر بوده است، وقتی بنا شد جوان‌های ما کشیده شدند به آنجا، یعنی عضو فعاله‌ای که باید یک مملکت را اداره بکند مهمل بشود، هروئین را اینطور ترویج کردند که همه قشر مملکت پر هروئین شده است و شده بود، این همچو نبود که خود بخود شده باشد. این نقشه بوده وقتی بنا شد یک جوانی که قدرت فعاله یک مملکت هست، مبتلای به هروئین بشود، می‌شود هیچ، مهمل می‌شود. اینها ما را مهمل می‌خواستند بکنند که هر چه از ما ببرند و هر بازی سر ما در آورند ما هیچ نفهمیم اصلا فکر این نباشیم که چرا باید بشود. آدم

هروئینی و آدم تریاکی و آدم مثلا دنبال فحشا رفتن، فکرش نمی‌آید به اینجا که نفت ما را چرا می‌برند. کی می‌برد، کی می‌خورد، تو فکر این نمی‌آید. آن فقط فکرش این است که چه وقت، وقت این است که من تریاک بکشم. یا چه وقت، وقت این است که بروم در آن مرکز. یا چه وقت، وقت هروئین است اصلا فکر آن قضیه نمی‌آید. و اینها همین نقشه را داشتند که جوان های ما را از این افکاری که باید با آن افکار ما برسیم به یک مطلبی، باز دارند، و آن فعالیتی که باید جوان ما، و طبقه جوان ما داشته از دستش بگیرند.

مهمل بارش بیاورند هر چه می‌خواهند بکنند و ما حرف نزنیم. لکن خدا نخواست. به داد شما رسید خدانخواست اینطور بشود و در بین راه خدا دریافت شما را و شما حفظ کنید این را.....

..... من، آخر عمرم است اما شما جوانید اصلاح کنید اینها را. اصلاح کنید اینها را، اگر بخواهید مستقل باشید این چیزها را در صدد برآید اصلاحش بکنید همه مملکت باید مشغول بشود برای اصلاح خودشان. اول اصلاح آدمها را بکنند که مقدم بر همه چیز است

حضار : اهالی ارومیه و جمعی دیگر از مردم شهرستان ها ۱

..... اینها جوان های ما را ضایع کردند، که این یک عمر لازم دارد که یک جوانی که ضایع شد در این رژیم، هروئینی شد در این رژیم، تریاکی شد در این

رژیم، شارب الخمر شد در این رژیم، عادت به سینماهای فاسدکرد، عادت به این مراکز فحشا، که همه را درست کرده بودند و با نقشه برای اینکه نگذارند جوان های ما یکجوان های محکمی از کار درآیند، که بتوانند مقابل آنها بایستند. این محتاج به این است که مدتها طول بکشد تا یک تحول حاصل بشود. این تحولی که الان حاصل شده، یک تحول معجزه‌آسایی است.

حضار : نمایندگان سازمان های آزادی بخش جهان ۱

..... و یک باب واسع دیگر قضیه مخدرات ، مثل هروئین و خمر و تریاک و سایر اینها که باز هم یک باب واسعی بود که کشانده بودند جوان های ما را به مراکزی که مورد این معانی بود. برای اینکه این جوان ها هرچه به سرشان بیاید سؤال نکنند که برای چه. « چرا » را از جوان های ما بگیرند . جوان در فکر این نباشد که نفت او را کی می برد و چرا می برد. ذخایر او را می برد و چرا می برد. اختناق هست در مملکت و چرا اختناق هست. آزادی مسلوب است و چرا مسلوب است. اینها نقشه‌هایی بوده است که برای ما کشیده بودند و برای شماها هم. برای همه مملکتهای شما هم . این نقشه‌ها یکنواخت در همه جا بوده است . بنابراین کوشش کنید و کوشش کنند کسانی که علاقه دارند به کشورشان، کسانی که علاقه دارند به ملتشان، کسانی که علاقه دارند به اسلام، کوشش

کنند که این مسائلی که به صورت مصایب در این مملکت‌های ما پیاده شده است بزدایند .

مغزهای منحرف را برگردانند به حال سابق، تربیت کنند جوان ها را . دانشگاه ها اگر علاقه دارند به اسلام، اگر علاقه دارند به کشورشان، اگر علاقه دارند به ملتشان، جوان ها را تربیت صحیح بکنند. از این غریزدگی نجاتشان بدهند. و همه جاها و همه کس باید دنبال این مطلب باشد.....

حضار: پزشکان و پرستاران بنیاد اسلامی خدمات پزشکی امام خمینی ۱

...انسان در انتخاب شغل ها و سایر انواع انتخابات آزاد است. آزاد خلق شده است. و در اسلام آزادی به او اعطا شده است. لکن خود انسانها در انتخاب شغل، مختلف هستند، و این اختلاف تابع آن اختلاف نفسانی خودشان و اخلاق باطنی خودشان است. یکی دزدی را انتخاب می کند شغل، یکی غارتگری را برای خودش شغل انتخاب می کند، یکی شغل‌های هروئین فروشی و موادمخدره فروشی و امثال اینها را انتخاب می کند. این انتخابات، یک انتخاب آزادی است که تابع آن نفسیت اشخاص است. نفوس انسان در این عالم به حسب خلقت اختلاف دارد، و به حسب تربیتهایی هم که در محیطها می شود باز یک اختلاف زیادی در این تربیتهای حاصل می شود. در یک محیط می بینید که تربیتهای، تربیتهای ضدانسانی است ، ضد اخلاقی است و در یک محیط تربیتهای انسانی است.....

حضار : طارمی ، محمدحسینی مدیر واحد اطلاعات صدا و سیما ۱

..... یک رادیو - تلویزیون اسلامی و مربی جامعه [باید داشته باشیم]. در طول مدتی که شاه، محمد رضا شاه مخلوع، این تلویزیون را تحت سیطره خودشان داشتند، کوشش می کردند که جوان های ما را منحرف کنند؛ یعنی نگذارند این قوه ای که باید برای کشور خدمت بکند، اینها راهشان را کج کردند که در خدمت دیگران باشند، این باید درست بشود، باید متحول بشود. باید رادیو - تلویزیون مربی جوان های ما، مربی مردم کشور باشد نه اینکه مطالبی در او گفته شود که مخالف با وضعیت کشور است، مخالف با مصلحت کشور است، و جوان های ما را جوری بار می آورند که برای خودشان نباشند، برای دیگران باشند. جوان ها را یک قسمشان را اینطوری بار می آورند که به مراکز فساد می کشیدند، می کشاندنشان. درست کرده بود همه جای ایران مراکز فساد را، که جوان ها را می کشیدند به آنجا و فاسدشان می کردند، از راه شهوات. یک دسته شان را می کشیدند دنبال موادمخدره، از آن راه فاسدشان می کردند. و تمام نقشه این بود که این قوه فعاله ای که همه کار از آن باید بیاید، و مملکت خودش را اداره کند، این، یا لاقید بشود، و یا اینکه مخالف بشود با کشور خودش "من حیث لایشعر" و بعضی هم با توجه. و یکی از مواردی و بنگاههایی که در این مطلب خیلی کوشش می کرد رادیو - تلویزیون بود، که اول از پخش کردن چیزهایی که مخدرات خودش بود، این موسیقیها همه مخدر هستند؛ یعنی جوان های ما را،

جوانی که عادت به موسیقی کرد دیگر نمیتواند کار انجام بدهد، دیگر نمی تواند قاطع باشد. رادیو - تلویزیون تقریباً اکثر اوقات جوان های ما را به اینطور گوش کردن وامی داشت . از طریق چشم، جوان های ما را فاسد می کردند ؛ زندهای کذا و کذا را پشت آنجا نمایش می دادند و جوان ها از این راه فاسد می شدند . و همه مقصد این بود که در ایران یک قوه فعاله ای که بایستد در مقابل کسانی که دشمن ایران و اسلام هستند نباشد، تا هر کاری دلشان می خواهد بکنند. این باید متحول بشود؛ باید رادیو - تلویزیون همچو باشد که جوان ها را بار بیاورد، به طوری که مستقل و دارای اراده و تصمیم باشد، نه پایبند این مسائل شهوانی یا آن مسائل دیگری که مثل هروئین و امثال ذلک. اینها باید در رادیو - تلویزیون جوری عمل بشود که اینها را محترزکنند از آنها، بترسانند آنها را از اینطور مسائل.....

حضار : اعضای جامعه اسلامی بانوان شمیران ۱

.... کسی که اعتیاد دارد [شاپوربختیار] نمی تواند کودتا بکند، حرف است

حضار: دعایی، سید محمود “ نماینده امام و سرپرست موسسه اطلاعات
“ - نویسندگان و کارکنان موسسه اطلاعات، کارمندان شرکت ایران
چاپ با اعضای خانواده ۱

..... اگر مطبوعات متحول بشود - و انشاءالله ، می شود و شده است - متحول بشود به یک مراکزی که بخواهند تقوا را در جامعه منتشر کنند، وقتی جوان ها و بچه های تازه رس ما وارد می شوند در میدان فعالیت های اجتماعی، بروند دنبال روزنامه، روزنامه مربی باشد، گوش کنند به رادیو، رادیو مربی باشد، نگاه کنند به تلویزیون، تلویزیون مربی باشد، نگاه کنند به مجلات، مجلات، مجلاتی باشد که تربیت بکند، این جوان وقتی که به هر جا توجه کرد، دید که گوش و چشمش پر شده از تربیت، اینطور بار می آید. اگر رها بشود، هرزه بار می آید . اگر بکشندش در طرف فساد، می رود آن طرف و اگر بکشندش در طرف صلاح، می آید این طرف .

و ما در سال های طولانی، همه جهاتی که در ایران بود و اسباب را فراهم کرده بودند، همه جهات برای این بود که جوان های ما را بکشند طرف فساد . و نظر اصلی آنها این بود که یک جمعیتی در اینجا وجود داشته باشد که هر چه سرش می آورند توجه نداشته باشد؛ مملکتش به باد می رود، او عیش و عشرتش باشد، اشکالی ندارد؛ مذهبش عقب می رود، چون عیش و عشرتش به کار است، مانعی ندارد؛ اختناق در مملکت هست، اختناق در فحشا نیست، این اشکال ندارد؛ هر بساطی سرش در آورند، بی تفاوت باشد. یک همچو مملکتی که آنها می خواستند این بود که یک طایفه زیادی از این جوان های ما را به هروئین بکشند، یک طایفه دیگر را به مسکرات بکشند، یک طایفه دیگری را به فحشا و مراکز فساد

بکشند، گوش را به هر چه بدهد، یا تعلیم فاسد است یا غنا و امثال اینها که مغز را فاسد می‌کند، هراجمت‌های اجتماعی که باشد، اجتماعی است که گوینده‌اش گوینده‌ای است که جوان‌ها را می‌کشد طرف فساد و مغزهای اینها را فاسد می‌کند. این یک مطلب اتفاقی نبود که به طور اتفاق حاصل شده باشد، یک مطلبی بود که با تمام توجه و نقشه، این امور شده بود و دیدید چطور بود

حضار: هیأت دولت، آقایان: رجایی، محمدعلی "نخست وزیر" - عارفی "وزیر آموزش عالی" - دوزدوزانی "وزیر ارشاد ملی" - منافی "وزیر بهداشت" - عباسپور "وزیر نیرو" - قندی "وزیر پست و تلگراف و تلفن" - نبوی، بهزاد "وزیر مشاور در امور اجرایی" - نعمت زاده "وزیر صنایع و معادن" - گنابادی، شهاب "وزیر مسکن و شهرسازی" - فیاض بخش "وزیر بهزیستی" - سلامتی "وزیر کشاورزی" ۱.

..... آنها در طول تاریخ و خصوصاً در این پنجاه سال، کوشش کردند که جوان‌های ما و ملت ما را غافل کنند و احیاناً به جان هم بریزند و خدا خواست که آن خدعه آنها تا این حد باشد و از بین برود و رفتند. اگر حالا همان مسائل را ما تکرار کنیم، یعنی مسائلی که آمریکا برای ما پیش می‌آورد که ما را از مسائل اصلی غافل کند، به مسائل دیگر متوجه کند، به هروئین متوجه کند، به فحشا متوجه کند؛ برای اینکه از آن راهی که [انسان] باید برود منحرف بشود، برود دنبال عشرتخانه‌ها. آمریکا یا ابرقدرت‌های دیگر، آنهایی که می‌خواستند ما را

غارت کنند، در طول تاریخ و در طول این پنجاه و چند سال، کوشش کردند که جوان های ما را بی تفاوت بار بیاورند. آن روز آنها می کردند، حالا دست شما افتاد. اگر حالا هم شما کارهایی بکنید که توجه مردم را از مصالح و توجه خودتان از مصالح به چیز دیگر متوجه بشود، عوض اینکه فکر حل مشکل کردستان را بکنید، بنشینید و با هم دعوا بکنید، عوض اینکه برای این پابرهنه ها، برای این ضعفا، برای اینهایی که زحمت کشیدند و شما را به اینجا رساندند و حالا هم توقع از شما خیلی ندارند برای اینکه یک آب و نانی، یک آبی، یک نانی، یک برقی، یک چیزها [بی] آن چیزهای اولیه را به اینها برسانید؛ از این غفلت کنید و بروید سراغ جنگ اعصاب و بساط خوب، این همان است که آن وقت آمریکا می کرد، حالا شما می کنید. آن وقت آن طاغوت می کرد، حالا شما می کنید. شما هم طاغوتید، آنها هم طاغوتند. فرقی نمی کند؛ یکی شیطان است، یکی شیطان کوچکتر.

حضار : اعضای شورای عالی دفاع و کلیه فرماندهان نظامی سراسر

کشور ۱

..... چطور است هروثین انسان را چه می کند و از بین می برد

حضار: رزمندگان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱

..... مباحثات می‌کنم به درگاه خدا که در یک همچو مقطع زمان واقع شدم که جوانان ما این طور هستند، در یک مقطع از زمان واقع شدیم که [کوتاه شد] دست آنهایی که به واسطه تبعیت از آمریکا جوان های ما را به فساد می‌کشاندند و با همه قدرت، همه تبلیغات و یا درست کردن مراکز فحشاء، مراکز قمار، مراکز خماری و جلسه‌های فاسد، جوان های ما را می‌خواستند به فساد بکشند و خدای تبارک و تعالی به داد ما رسید، به داد کشور ما رسید، به داد ملت ما رسید و شما جوان ها را بسیج کرد، بسیج الهی شما را کرد که حفظ کنید این کشور را و دست رد به سینه تمام شیاطین و قدرتمندان بزنید و شما پیروز هستید. خداوند ان شاء الله، شما را همان طور که در اینجا پیروز کرده است بعدها هم پیروز کند.....

حضار: توکلی، احمد" وزیر کار و امور اجتماعی"، کارگران واحدهای

صنعتی و تولیدی کشور ۲

..... کسانی که کارگر نیستند - به آن معنای عامش - اینها این طور نیست که شما گمان کنید یک روزگار خوشی دارند. شما توجه به این معنا شاید بسیاریتان

۱-جلد: ۱۶، صفحه: ۹۲، سخنرانی، زمان: صبح ۱۸ اسفند ۱۳۶۰، مکان: تهران، حسینیه جماران

۲-جلد: ۱۶، صفحه: ۲۳۳ و ۲۳۴، سخنرانی، زمان: ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۱/۷ رجب ۱۴۰۲، مکان: تهران، حسینیه جماران، مناسبت: روز

نداشته باشند که روزگار تلخی بر سرمایه‌دارها و کارفرماها و دارای کذا و کذاها، خانمها و فئودالها و امثال اینها می‌گذرد، آن روزهای سخت چقدر برای آنها ناگواری دارد و یک روز شما به یک عمر آنها ارزش دارد. آنها برای خاطر بیکاری و پرخوری و خواب و هرزه‌روی پناه می‌برند به تریاک، افیون، منقل و یا هروئین و یا مراکز فحشا؛ برای اینکه نمی‌توانند تحمل آن چیزهایی [را] که در نفسشان می‌گذرد و آن ناراحتیهایی که دارند نمی‌توانند [تحمل] بکنند. و من آن قدری که اطلاع دارم و در جوانی دیدم، اکثر این خانمها و فئودالها به وافور پناه برده بودند، آنهایی که تدینشان دیگر خیلی نیست، آنها به مشروبات و به هروئین و به امثال این چیزها یا به مراکز فحشا و دنبال مراکز فحشا. آن طور زحمتهایی که دارد و آن طور مرضههایی که هست و آن طور گرفتاریهایی که هست، شما کارگرا بحمدالله، ندیدید و امید است که نبینید.....

حضار: صیادشیرازی، علی "فرمانده نیروی زمینی" - فرماندهان لشکرهای نیروی زمینی و یگان های مستقل و معاونت های و مدیریت های ارتش ۱

.....یک جمعیتی که در طول تاریخ و خصوصاً این رژیم سابق کوشش کردند که این جمعیت را از همه چیز بی‌خبر نگه دارند، از همه اوضاع دنیا، کوشش کردند که این جوان های ما که باید خدمت بکنند به این کشور، ابتلا پیدا بکنند به موادمخدر، به جاهایی که شهوانی هست، آنهمه مراکز شهوت و آنهمه مراکز

فحشا درست کردند و عرضه کردند بر این ملت در طول این دهها سال اخیر که شدت پیدا کرد، و در زمان محمدرضا از همه وقت بیشتر شدت داشت و شما از جهت اخلاقی و فرهنگی ایران باید این معنا را اعتقاد [پیدا] کنید که اگر، این انقلاب به داد ایران نرسیده بود ایران در سراشیبی محو و فنا واقع شده بود که اصلا اسمش را از تاریخ باید محو بشود.

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم " رئیس دیوانعالی کشور " ۱
[محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران - مدظله العالی
احتراماً، به پیوست صورت اسامی چهارصد و شصت و پنج " ۴۶۵ " نفر از محکومین موادمخدر استان خراسان که به تقاضای دادستان و تأیید حاکم شرع به مناسبت عید سعید قربان مشمول عفو یا تخفیف در مجازات شده‌اند جهت تصویب تقدیم می‌گردد.

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی]

بسمه تعالی

موافقت می‌شود ۲.

۱-جلد ۱۶، صفحه ۴۷۲، حکم و زمان: شهریور ۱۳۶۱/ذی‌القعدة ۱۴۰۲، مکان: تهران، جماران، مناسبت: عید سعید قربان

۲-به استناد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

روح الله الموسوی الخمينی

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم " رئیس دیوانعالی کشور " ۱

[بسمه تعالی]

محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران
توفیراً، با عرض تحیت، سلامت و توفیق آن مرجع عالیقدر را از خداوند منان
مستند می‌نماید و بنا به تصویب مورخ ۶۱/۸/۲۰ شوراییعالی قضایی استدعا دارد،
مستنداً به بند شش اصل یکصد و دهم قانون اساسی موافقت فرمایند اشخاصی
که به اتهام اعتیاد به مواد مخدر یا نگهداری یا حمل مواد مخدر به منظور مصرف
شخصی یا به هر سه اتهام مذکور تحت تعقیب کیفری در آمده‌اند اعم از متهم یا
محکوم به شرط تعهد ترک اعتیاد و عدم تکرار جرم مورد عفو آن جناب قرار
گیرند. با توجه به عنایت خاص آن رهبر رئوف نسبت به حال زندانیان توضیحاً به
عرض می‌رساند که مضمولین فرمان عفو در صورتی که در بازداشت باشند آزاد
خواهند شد.

رئیس دیوانعالی کشور - ۶۱/۸/۲۴ - سید عبدالکریم موسوی اردبیلی [

بسمه تعالی

موافقت می‌شود ۲.

۱- جلد: ۱۷، صفحه: ۹۶، حکم و زمان: ۲۶ آبان ۱۳۶۱، صفر ۱۴۰۳، مکان: تهران، جماران، موضوع: عفو زندانیان

۲- به استاد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

۲۶ آبان ۶۱ روح الله الموسوی الخمینی

مخاطب : قوه قضائیه و ارگان های اجرایی ۱

..... و موکداً تذکر داده می شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی که از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آنجا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل موادمخدره برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشاء کنند، چرا که اشاعه فحشاء از بزرگترین گناهان کبیره است و هیچکس حق ندارد هتک حرمت مسلمانان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظایفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند، و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیر و گاهی تقاص می باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آنچه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضایی معرفی کنند.....

..... باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه قضاییه را در دادخواهیها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند. و این امر بر عهده همگان است و کار بستن آن موجب رضای خداوند و سعادت دنیا و آخرت می‌باشد، و تخلف از آن موجب غضب خداوند قهار و عذاب آخرت و تعقیب و جزای دنیوی است. از خداوند کریم خواهانم که همه ما را از لغزشها و خطاها حفظ فرماید، و جمهوری اسلامی را تأیید فرموده و آن را به حکومت عالمی قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - متصل فرماید " انه قریب مجیب ". و السلام علی عبادالله الصالحین.

حضار : فرماندهان شهربانی ۱

.....این هروئین فسادش از همه چیز بالاتر است.....

موضوع : موافقت با ضوابط پیشنهادی برای عفو زندانیان ۲

۱-جلد : ۱۷، صفحه : ۲۶۷، سخنرانی، زمان : ۷ بهمن ۱۳۶۱، مکان : تهران

۲-جلد : ۱۷، صفحه ۲۹۹ تا ۳۰۱، حکم، زمان : ۲۰ بهمن ۱۳۶۱ / ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۳، مکان : تهران، جماران

مناسبت : سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم، رئیس دیوانعالی کشور

بسمه تعالی

الف - کلیه کسانی که به حکم دادگاههای عمومی، انقلاب و نظامی به کیفر حبس یا دیگر مجازات های اصلی یا تکمیلی، محکومیت قطعی یافته اند - جز حکم قصاص و حدود و دیات که طبق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی حکم شده باشد - به مناسبت پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن به شرح زیر مشمول عفو و بخشودگی رهبر کبیر انقلاب اسلامی قرار می گیرند:

..... ۶ - معتادینی که مواد مکشوفه از آنها به میزان مندرج در ماده هجدهم لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرائم موادمخدر مصوب ۵۹/۳/۱۹ شورای انقلاب بوده است و پانزده روز حبس را تحمل کرده اند.

۷ - کسانی که به اتهام جرایم مربوط به موادمخدر و افیونی به پنج سال حبس یا کمتر و دیگر مجازاتها محکومیت یافته اند در صورت تحمل ۱/۵ [یک پنجم] حبس بقیه مجازات بخشوده می شود کلیه موارد بالا در صورتی مشمول عفو قرار می گیرند که محکوم توبه کرده و تأثیر مجازات در روحیه وی به تأیید رئیس زندان رسیده باشد.

.....

ب - جرایم و محکومیتهای زیر از شمول عفو مستثنی می باشند:

.....

- وارد کردن و ساختن مواد مخدر.

.....

رئیس دیوانعالی کشور - سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

.....

بسمه تعالی

موافقت می‌شود ۱.

روح الله الموسوی الخمينی

حضار: شرکت کنندگان در مراسم دهه فجر و وزیر ارشاد (محمد خاتمی) ۱

.....فجایعی که در زمان او [محمد رضا] واقع شد، تاریخ امید است که ثبت کند و متفکران و متوجهان به مسائل بنویسند و باشد در مخزنها تا ببینند اشخاصی که بعدها می آیند. بنا ، بر این بود که اصل اسلام در اینجا محو بشود ، شروع کردند تاریخ اسلام را تغییر دادند و شروع کردند ، و جوان های ما را از اسلام می خواستند جدا کنند. مواد مخدره و موادی که انسان کش است، در اینجا به دست همین خاندان پهلوی خریده می شد و پخش می شد. این نه برای این بود که فقط منافع مادی می خواستند، برای این بود که اطاعت امر آنها را بکنند که باید ایران عقب مانده بماند و یک عده افیونی و هروئینی و عیاش نمی توانند کشور خودشان را حفظ کنند، آنها بنشینند و چرت بزنند و آنها مخازن آنها را خالی کنند

مخاطب : مسلمانان و مردم جهان و نسل های آینده ۲

ک - از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکستان ها تا دانشگاه ها است که به واسطه اهمیت فوق العاده اش تکرار نموده و با اشاره می گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده اش از دانشگاه ها بوده است.

۱-جلد : ۱۷، صفحه : ۳۱۳ ، سخنرانی ، زمان : ۲۱ بهمن ۱۳۶۱ ، مکان : تهران

۲- جلد : ۲۱ ، صفحه : ۴۲۹ و ۴۳۰ ، وصیتنامه سیاسی - الهی ، زمان : ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ ، مکان : تهران

اگر دانشگاه‌ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب کن بر ملت محروم غارتزده تحمیل نمی‌شد و هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارک‌ها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانک‌های خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و وابستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سایر ارگان‌ها از دانشگاه‌های اسلامی و ملی سرچشمه می‌گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود. و اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت‌رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود. و دانشگاه‌ها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود، می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و اسفبار است که دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست

کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غریزدگان و شرقزدگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاه‌ها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرت‌های بزرگ شده و به کرسی‌های قانون‌گذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند. اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق و دانشسراها و دانشگاه‌ها و سایر مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

حضار : منافی وزیر بهداشتی و کارکنان وزارتخانه ۱

..... و از امور لازم قضیه جلوگیری از بیماری است، آن اهمیتش بیشتر از خود معالجه است. ما بتوانیم شماها بتوانید که طوری بکنید که مرض کم بشود، یک طوری بشود در کشور که آنها از آلودگی بیرون بیاید، غذاها آلوده نباشد، آن طوری که پزشکان دستور می‌دهند کاری بشود که مرض نیاید. نه ما منتظر باشیم که مرض بیاید بعد رفعش بکنیم. جلو بگیریم که اصلاً نیاید مرض، و این یکی از امور مهمه‌ای است که باید به آن توجه کامل بشود و امیدوارم که در این امر هم متصدیان امور موفق باشند و در همه امور اتکال به خداوند بکنیم. شما

بینید که این اتکال به خدا بود که یک قدرت به آن عظمت را - از دست - از بین بردید. با اینکه قدرت شما در مقابل قدرتهای شیطانی چیزی نبود، لکن ایمان شما بود، اتکال شما به خداوند تبارک و تعالی بود که پیش بردید و از حالا به بعد هم پیش خواهید برد.....

حضار: ولایتی، علی اکبر " وزیر امور خارجه " - سفرا و کارداران کشورهای خارجی مقیم ایران ۱

.....مراکز فساد این قدر بود که جوان های ما را به فساد کشاند. خود آنها عامل فروش هروئین و تریاک و مواد مخدره بودند، و تمام جوان های ما را به فساد کشاندند.....

مخاطب: ملت ایران ۲

..... ۹ - از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروههایی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بیگناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند، و به دست خود به اسارت کشیده شده اند. با اسرای

۱- جلد: ۱۸، صفحه: ۳۲۰، سخنرانی، زمان: ۱۸ بهمن ۱۳۶۲/۴ جمادی الاول ۱۴۰۴، مکان: تهران، حسینیه جماران

۲- جلد: ۱۸، صفحه: ۳۴۳ و ۳۴۴، پیام، زمان: ۲۲ بهمن ۱۳۶۲، مکان: تهران

خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رثوف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ و زندانها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید، چنانچه تاکنون عمل کرده‌اید، تا منحرفان و گناهکاران شیرینی عدالت اسلامی را بچشند، و به اسلام و نظام اسلامی رو آورند؛ و از روی حقیقت توبه کنند و بازگشت به اسلام و خدای متعال نمایند، که باب رحمت گناهکاران را بهتر جذب می‌کند. حتی آن کس که مستحق حدود الهی است، از قتل و دیگر جزاها، باید از عطف و مأموران، تا پای دار و محل مجازات، برخوردار باشند. و شورایی قضایی و ستاد پیگیری در بررسی وضع زندانیان تسریع نمایند. و هر کس استحقاق عفو دارد به فوریت معرفی نمایند تا عفو شوند و به زندگی آزاد خود ادامه دهند، و انشاء الله عضو فایده بخش و فعال برای میهن خود گردند.

.....

مخاطب: دادگاه عالی انقلاب اسلامی ۱

[شورای محترم عالی قضایی

مسئله زیر به جهت اختلاف نظر قضات دادگاه عالی، از شخص امام - مدظله العالی - پرسش و جواب گرفته شود:

تریاک که دارای منفعت عقلایی است و مصارف مشروعی نیز دارد، ولی از جانب دولت اسلامی خرید و فروش و هرگونه نقل و انتقال آن در کشور ممنوع اعلام شده. آیا خریدار و فروشنده مالک عوض و معوض می‌شوند، و نهی دولت

اسلامی فقط جنبه تحریمی دارد و فساد معامله را همراه ندارد، یا آنکه این نهی موجب فساد هم می‌شود، که در این صورت فروشنده مالک عوض نشده و حاکم طبق احکام "مقبوض به عقد فاسد" عمل کند، و گاهی به جهت مجهول بودن مالک ثمن آن را استرداد نماید؟

و همچنین در قاچاق تریاک که فی‌الجمله دارای منافع مشروع است در چه حدی "افساد فی الارض" بر آن صدق می‌کند؟

۶۲/۱۱/۲۸ - دادگاه عالی انقلاب اسلامی [

بسمه تعالی

۱ - تخلف از منع دولت نباید بشود، ولی حکم وضعی ندارد.

۲ - فساد در صورتی است که مواد مخدره پخش شود بطوری که موجب ابتلا بسیاری شود، یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر.

روح‌الله الموسوی الخمینی

موضوع: موافقت با شرایط پیشنهادی عفو زندانیان ۱

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم "رئیس دیوانعالی کشور"

[رئیس دیوانعالی کشور طی نامه‌ای در اردیبهشت ۱۳۶۴ به محضر امام خمینی، با بیان ضوابط و شرایط پیشنهادی قوه قضائیه برای عفو محکومین دادگاههای عمومی و انقلاب و استثناء مواردی بدین شرح:

.....۶- واردکنندگان، سازندگان، موزعین رده بالا که درباندهای قاچاق فعالیت دارند؛

.....

خواستار اعلام نظر امام خمینی گردیده است که مورد موافقت ایشان قرار گرفته است: [

بسمه تعالی

موافقت می‌شود.

۶۴/۲/۲۵

روح الله الموسوی الخمينی

مخاطب: زائران بیت‌الله، مسلمین ایران و جهان ۱

.....

۲- شما زائران عزیز از کشوری به سوی حق می‌روید که در سایه الطاف خداوند و برکت دعای اولی‌الله اعظم - روی لقمدمه الفدا - سختی‌ها و دشواری‌ها و ستمکشی‌ها را پشت سر گذاشته و بحمدالله تعالی در تمام میدان‌ها پیروز شده‌اید. و هنوز اول کار است. شما امروز از جهت فرهنگی بر فرهنگ‌های پوشیده شرق و غرب و فرهنگ منحط عصر شاهنشاهی، که جوانان عزیز ما را فوج فوج به فساد می‌کشید و دانشگاه‌های ما را در خدمت غرب و احیاناً شرق به

پیش می‌برد، پشت پا زده‌اید. شما امروز فرهنگ‌هایی را که ملت ما را یک ملت وابسته مصرفی و خدمتگزار قدرت‌ها بار آورده بود و فحشا و فساد و اعتیاد را گسترشی روزافزون داده بود و از انسانیت و اخلاق می‌رفت کنارگیری کند در زیر پای خود خرد کرده، و شرافت انسانی و تقوا و شهامت و شجاعت و صبر و سلحشوری و مروت و تعاون دربر و تقوا و توجه به مصالح ملت کشور را جایگزین آن نموده‌اید.

.....منظور اینجانب از این تذکرات به حجاج محترم آن است که توجه آنان را به وظایف خطیری که در این سفر بسیار مهم از طرف شرع مطهر و ملت شهید داده ایران بر عهده آنان گذاشته شده است جلب نمایم. شما امروز در این سفر در بوته امتحان قرار دارید، چون نمونه و الگویی از ملت ایران هستید. و باید بدانید که چشمان کنجکاو صدها هزار زائر، که از اطراف جهان حول مرکز وحی گرد آمده‌اند، با دقت حرکات و اعمال شما را تحت نظر دارند. دوستان شما، که زائران بیت الله هستند، با کمال اشتیاق می‌خواهند ببینند این تحول عظیمی که در ملت ایران در ابعاد مختلف، بویژه بعد اخلاقی و معنوی، تحقق پیدا کرده است، چگونه است و تا چه مقدار است. و مخالفان شما که برای وقایع نگاری و خبر چینی و نفاق افکنی خود را به آن مکان مقدس رسانده اند درصدد پیدا کردن نقاط ضعف هستند که از گاهی کوهی بسازند و غلغله‌ای در رسانه‌های گروهی و مطبوعات و مجالس سخنرانی به راه اندازند، و نه تنها جمهوری اسلامی، که اسلام را محکوم کنند. شما زائران محترم با آنچه گفته شد، بر سر دو راه هستید، راه سعادت، که حفظ آبروی جمهوری اسلامی و اسلام عزیز و ملت بزرگوار و

رزمندگان عظیم الشان و شهدای پیوسته به لقاءالله هست، که درمراعات موازین اسلامی و اخلاقی و مواظبت ازاعمال و افعال و گفتار خود در همه مواقع و در تمام مشاعر حج می باشد؛ و نیز مراعات آداب اسلامی - اخلاقی با همه بندگان خداست . و راه شقاوت و مردود بودن از ساحت قدس الهی، با عدم مراعات آنچه ذکر شد و آنچه با حیثیت جمهوری اسلامی منافات دارد. از خداوند تعالی توفیق همه را در حفظ شئون اسلام و جمهوری اسلامی خواستارم.

.....

موضوع: قلمرو احکام سلطانیه و تعزیرات شرعی ۱

سؤال کننده: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم " رئیس دیوانعالی کشور " [بسمه تعالی. محضر انور حضرت آیتالله العظمی امام خمینی - ادام الله ظله پس از عرض سلام مستدعی است مسائل زیر را جواب فرمایید. در هیأت بررسی تعزیرات مورد نیاز است:

۱ - حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به طور کلی هر تنبیهی که به نظر برسد موجب تنبیه و خودداری از ارتکاب جرایم می گردد جایز است به عنوان تعزیر تعیین شود، یا در تعزیرات به مجازات های منصوص ۲ باید اکتفا کرد؟

۱-جلد: ۱۹، صفحه: ۴۷۲، پاسخ استفتاء، زمان: ۱۶ بهمن ۱۳۶۴/۲۵ جمادی الاول ۱۴۰۶، مکان: تهران، جماران

۲-مجازاتهای تعیین شده و نام برده شده در روایات.

۲ - برای اداره امور کشور، قوانینی در مجلس تصویب می‌شود، مانند قانون قاچاق، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری، و به طور کلی احکام سلطانیه؛^۱ و برای اینکه مردم به این قوانین عمل کنند برای متخلفین مجازاتهایی در قانون تعیین می‌کنند. آیا این مجازاتها از باب تعزیر شرعی است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کم و کیف بر اینها بار است یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند، و اگر موجب خلاف شرع نباشد باید به آنها عمل کرد؟

۳ - در موارد تعزیرات، حسب نظر حضرتعالی "قضات ماذون" ^۲ نمی‌توانند تعیین تعزیر کنند. آیا مانند قضات واجد شرایط که در موارد تعزیرات حق عفو دارند، آنها نیز حق عفو دارند یا مانند اصل قضا، استفاده از حق عفو، احتیاج به اجازه دارد؟

۶۴/۱۱/۱۶ - ادام الله عمر کم الشریف - عبدالکریم موسوی اردبیلی [

بسمه تعالی

[پاسخ سؤال ۱:] در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازاتهای منصوصه اکتفا شود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد. مثل احتکار و گرانفروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسئله دوم می‌باشد.

بسمه تعالی

۱- احکام اجتماعی و حکومتی

۲- قاضی ای که با اذن مجتهد جامع شرایط به امر قضا پرداخته و خود فاقد شرط اجتهاد برای قضای شرعی هستند.

[پاسخ سؤال ۲:] در احکام سلطانیه که خارج است از تعزیرات شرعیه، در حکم اولی است، متخلفین را به مجازاتهای بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند.

بسمه تعالی

[پاسخ سؤال ۳:] حق عفو ندارند، مگر به اذن فقیه جامع‌الشرایط.

روح‌الله الموسوی الخمینی

مخاطب: باریک بین، هادی - علیخانی، قدرت الله ۱

[آقای قدرت الله علیخانی از روحانیون فعال منطقه، طی درخواستی در مورد انجام کارهای عمرانی در روستاهای قزوین و رفع محرومیت‌زدایی، تأمین بخشی از هزینه‌ها توسط دادرسی مبارزه با موادمخدر تهران را تقاضا نموده است. درخواست آقای علیخانی مورد تأیید آقای هادی باریک بین، امام جمعه قزوین و آقای سید جعفر موسوی، استاندار زنجان واقع شده است. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

۱-جلد: ۲۰، صفحه: ۱۴۳، نامه، زمان: ۲۰ مهر ۱۳۶۵/۷ صفر ۱۴۰۷، مکان: تهران، شماره:

۲-جلد: ۲۰، صفحه: ۳۳۵ و ۳۳۶، پیام، زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۶، مکان: تهران

با مراعات جهات شرعیه و نظارت جناب آقای باریک‌بین با پیشنهاد مذکور موافقت می‌شود.

۲۰ مهرماه ۶۵

روح‌الله الموسوی الخمینی

مخاطب: برگزاری مناسک عظیم حج ۱

..... بحمدالله پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری روحانیت، خلاف این تصورات را ثابت نمود و علیرغم همه کارشکنیها و سنگ‌اندازیها و توطئه‌های شرق و غرب و حسادت و کینه‌توزی ایادی آنان، توانمندی و اقتدار روحانیت اسلام آشکار گردید. که من از تمامی علما و متفکرین و دانشمندان اسلامی سراسر جهان دعوت می‌کنم که در فرصتهای مناسب به کشور عزیز اسلامی ایران سفر کنند و در وضع گذشته این مملکت که نظام شاهنشاهی آن را به مملکتی غریب‌زده و تهی از ارزشهای اسلامی مبدل ساخته بود و ایران می‌رفت تا پایگاهی برای اسلام‌زدایی و محو آثار رسالت گردد و از تاریخ تا فرهنگ و همه مظاهر اسلام نابود شود، فکر نمایند و همچنین به بررسی وضعیت کنونی بپردازند که اساس قوانین و مقررات این کشور را وحی و اسلام معین نموده است و تمامی مظاهر کفر و شرک و معاصی علنی حتی‌المقدور برچیده شده و علیرغم همه نغمه‌های شوم التقاطیها و چپها و راستها و ملیگراها که در روزهای اول پیروزی انقلاب و برای قبضه نمودن قدرت و تفکر ملت ایران از حلقوم آنان

برمی‌خواست، خداوند بر ما منت نهاد که توطئه آنان کشف و در تمامی کشور ما قوانین و برنامه‌های اسلامی در حال پیاده شدن است و از میدانهای نبرد و کارزار گرفته تا مراکز تحقیقات علمی، دانشگاهها و حوزه‌ها و از مجالس قانونگذاری و تدوین همه مقررات کشوری و لشکری تا قوه مجریه که دست‌اندرکاران حل و فصل بزرگترین مسائل اداری و اجرایی یک کشور بزرگ و در حال جنگ و محاصره و با جمعیتی متجاوز از پنجاه میلیون نفر است و از قوه قضاییه که مسئولیت اجرای حدود و احکام الهی و در حقیقت بار سنگین تأمین امنیت جان و نوامیس و اموال و شخصیت یک جامعه انقلابی را به عهده دارد تا فرماندهی قوای نظامی و انتظامی که مسئولیت امنیت مرزها و داخل کشور و خنثی نمودن صدها توطئه رنگارنگ به عهده آنان است و باید جلوی تخریب و جنایات منافقین و ضد انقلاب و اشاعه فحشا و منکرات و دزدیها و قتلها و موادمخدر را بگیرند، که همه اینها با رهبری روحانیت متعهد و به برکت احکام نورانی اسلام و کتاب آسمانی پیامبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله - صلی الله علیه و آله و سلم - و پیروی از ائمه هدی - علیهم السلام - اداره می‌شود و خدا را سپاس می‌نهیم که با تکیه بر آیات وحی و کتاب خدا توانسته‌ایم کشورمان را از وابستگیها نجات دهیم. البته تا پیاده کردن تمامی احکام و مقررات اسلامی و عمل کامل در همه سطوح جامعه راه زیادی در پیش داریم ولی به یاری خداوند همچنان به تلاش و کوشش خود ادامه می‌دهیم و در عمل به همه غریزدگان و شرفزدگان و خودباختگانی که از مطرح کردن شعار اسلام و اعتماد به قرآن کریم واهمه

داشته‌اند، نشان می‌دهیم که چگونه می‌توان جامعه را از سرچشمه‌های معرفت کتاب خدا و هدایت اسلام عزیز سیراب نمود،.....

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم “ رئیس دیوانعالی کشور ” ۱

[بسمه تعالی . حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - دام عزه -

اعدام شخص مفسد که در نظر مبارک مورد احتیاط است به نظر آیت الله منتظری جایز است و این مسئله در محاکم قضایی مورد احتیاج است . اگر اجازه فرمایید در مراجع قضایی طبق نظر ایشان عمل شود . ادم الله عمرکم الشریف .

۶۶/۷/۹ - عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

مجازید بر طبق نظر شریف ایشان عمل نمایید^۲ .

۶۶/۷/۹

روح‌الله الموسوی الخمينی

۱- جلد: ۲۰، صفحه: ۳۹۷، حکم، زمان: ۹ مهر ۱۳۶۶، مکان: تهران، جماران

۲- براساس نظر امام خمینی، ازسوی رئیس دیوانعالی کشور، بخشنامه‌ای به شماره ۱۱/۶۴ ب- ش مورخ ۱۳۶۴/۸/۲۰ به دادگاهها صادر گردید. و در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۹ نیز ریاست دیوانعالی کشور در مورد مرتکبین جرایم مواد مخدر، موضوع را طی بخشنامه ای به دادگاهها و دادرهای انقلاب اسلامی سراسر کشور ابلاغ نمود.

سؤال کننده : خامنه‌ای، سیدعلی "رئیس‌جمهور و امام جمعه تهران" ۱

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای، رئیس محترم جمهوری اسلامی - دامت افاضاته پس از اهدای سلام و تحیت، من میل نداشتم که در این موقع حساس به مناقشات پرداخته شود. و عقیده دارم که در این مواقع سکوت بهترین طریقه است. و البته نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسانها. لکن صحیح ندانستم که جواب مرقوم شریف و تقاضایی که در آن شده بود را به سکوت برگزار کنم. لهدا، آنچه را که در نظر دارم به طور فشرده عرض می‌کنم. از بیانات جنابعالی در نماز جمعه اینطور ظاهر می‌شود که شما حکومت را که به معنای ولایت مطلقه‌ای که از جانب خدا به نبی اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - واگذار شده و اهم احکام الهی است و بر جمیع احکام شرعیه الهیه تقدم دارد، صحیح نمی‌دانید. و تعبیر به آنکه اینجانب گفته‌ام حکومت در چهارچوب احکام الهی دارای اختیار است بکلی برخلاف گفته‌های اینجانب بود. اگر اختیارات حکومت در چهارچوب احکام فرعیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - یک پدیده بی‌معنا و محتوا باشد و اشاره می‌کنم به پیامدهای آن، که هیچکس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد: مثلاً خیابان کشیها که مستلزم تصرف در منزلی است یا حریم آن است در چهارچوب احکام فرعیه نیست. نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها، و

جلوگیری از ورود و خروج ارز، و جلوگیری از ورود یا خروج هر نحو کالا، و منع احتکار در غیر دو - سه مورد، و گمرکات و مالیات، و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت‌گذاری، و جلوگیری از پخش موادمخدره، و منع اعتیاد به هر نحو غیر از مشروبات الکلی، حمل اسلحه به هر نوع که باشد، و صدها امثال آن، که از اختیارات دولت است، بنابر تفسیر شما خارج است؛ و صدها امثال اینها.

باید عرض کنم حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله - صلی‌الله علیه و آله و سلم - است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند؛ و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یکجانبه لغو کند. و می‌تواند هر امری را، چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حج، که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند.

آنچه گفته شده است تاکنون، و یا گفته می‌شود، ناشی از عدم شناخت ولایت مطلقه الهی است. آنچه گفته شده است که شایع است، مزارعه و مضاربه و امثال آنها را با آن اختیارات از بین خواهد رفت، صریحاً عرض می‌کنم که فرضاً چنین

باشد، این از اختیارات حکومت است. و بالاتر از آن هم مسائلی است، که مزاحمت نمی‌کنم.

انشاء الله تعالی خداوند امثال جنابعالی را، که جز خدمت به اسلام نظری ندارید، در پناه خود حفظ فرماید.

۱۶ دی ۱۳۶۶

روح‌الله الموسوی الخمينی

سؤال کننده : انصاری، مجید ۱

.....

[محضر مبارک مرجع عظیم‌الشأن و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - دام ظلّه العالی - با عرض سلام و آرزوی طول عمر توأم با پیروزی برای آن امام بزرگوار. احتراماً، به استحضار می‌رساند، از آنجا که بیکاری زندانیان در مدت تحمل کیفر و تراکم آنان در محیط‌های در بسته زندان‌ها موجب توسعه جرایم و آلودگی بیشتر آنها به انواع بیماری‌های جسمی و روحی و اخلاقی می‌گردد و طبعاً بعد از آزادی مشکلات بیشتری را برای خود و جامعه فراهم می‌نمایند. و به تجربه ثابت شده‌است که بهترین راه برای بازپروری مجرمین خصوصاً افراد معتاد، اشتغال روزمره آنان به کارهای سالم و مفید است،

لذا سازمان زندانها که قانوناً عهده‌دار اداره زندانها و اصلاح و ارشاد زندانیان است کارگاههای وسیعی در داخل و خارج از محیط زندانها ایجاد و یا در دست احداث دارد و به زندانیان شاغل، مبلغی حق‌الزحمه می‌پردازد. اینک این شبهه پیش‌آمده است که آیا خروج زندانی از زندان و اشتغال او در اینگونه مراکز منافات با حکم صادره "حبس تعزیری" ندارد؟ لذا تقاضا دارد این سازمان را در مورد سؤال زیر ارشاد و راهنمایی فرمایید:

" آیا سازمان زندانها می‌تواند با رعایت کامل جوانب حفاظتی و امنیتی زندانیان را در کارگاهها و مراکز اشتغال داخل و یا خارج از زندان به کار مشغول نماید یا خیر؟ "

با تشکر: رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

مجید انصاری [

بسمه تعالی

مانعی ندارد.

روح‌الله الموسوی الخمینی

مخاطب: موسوی، سراج الدین "فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی" ۱

[احتراماً، با عرض معذرت از تصدیح اوقات شریف به استحضار عالی می رساند که پاسداران کمیته انقلاب اسلامی در مواردی تعقیب مجرمین و قاچاقچیان و یا گشت های انتظامی به اجناس و یا ماشین های بلاصاحب و مجهول المالک برخورد نموده و ضبط می نمایند که با گذشت سال ها و ماهها صاحبان آن مراجعه نموده و این کالاها در معرض آفتاب و باران فرسوده شده و خسارت و ضایعاتی وارد می گردد از طرفی موارد متعددی از نیاز و گرفتاری های زندگی پاسداران زحمتکش کمیته مشاهده و گزارش شده است چنانچه حضرت مستطاب عالی مصلحت بدانند اجازه فرمایید کلیه اموال مجهول المالک توقیفی که در اختیار کمیته انقلاب اسلامی در سراسر کشور قرار دارد فهرست برداری شده با ذکر دقائق و وضعیت آن در زمان توقیف و ضبط و ثبت مشخصات کالا به نحو مناسب به فروش برسد و از محل عایدات آن به پاسداران نیازمند و محتاج مساعدت شود و در صورت مراجعه صاحبان آنها عین و یا وجه عادلانه آن مسترد شود.

خداوند سایه پر مهر و عمر با برکت حضرتعالی را مستدام بدارد.

۶۷/۸/۸ - سید سراج الدین موسوی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای سراج - دامت افاضاته - با حفظ جهات شرعیه زیر نظر شخص شما موافقت می شود .
روح الله الموسوی الخمینی

مخاطب : موسوی، میرحسین " نخست وزیر و رئیس ستاد " ۱

[بسمه تعالی ... با سلام و درود. احتراماً، با عرض معذرت از تصدیع اوقات شریف و آرزوی سلامتی و دوام عمر با برکت حضرت مستطاب عالی به استحضار میرساند که با تصویب قانون مبارزه با موادمخدر توسط مجمع محترم مصلحت نظام امید علاقه‌مندان به انقلاب و کشور در حل این مشکل بزرگ و خانمانسوز بشدت افزایش یافته و امید میرود که با هماهنگی و همدلی سازمانهای مسئول قضایی و اجرایی و خواست همگانی و ملی یک تجربه موفق در مبارزه با ناهنجاریهای اجتماعی و توطئه‌های تحمیلی استکبار به دست آید. براساس ماده ۳۳ آنگونه که قانون پیش‌بینی کرده، در نظر است که کلیه عملیات قضایی و اجرایی و تشدید و تخفیف مراحل مبارزه از جهت تبلیغ و مبارزه انتظامی و برخورد قضایی و درمان معتادین توسط سازمانهای ذیربط و با نظر ستاد به طور

هماهنگ انجام شود و براساس نظریه کارشناسان چنانچه برخورد با مجرمین و متخلفین از مراحل دستگیری تا تحمل مجازات، طبق یک الگوی هماهنگ و با رعایت جوانب سیاسی - اجتماعی آن انجام شود در پیشگیری از جرم در جامعه و ندامت و انصراف دیگران مؤثر است؛ لذا ستاد مبارزه با موادمخدر از محضر مبارک حضرتعالی استدعا دارد چنانچه صلاح بدانند موضوع عفو زندانیان و محکومین موادمخدر، اعم از معتاد و غیر آن با نظر و هماهنگی این ستاد صورت گیرد. در صورت صدور اجازه مبارک، شیوه اجرایی آن تقدیم حضور خواهدشد.

۶۷/۱۰/۱۰ میر حسین موسوی - نخست وزیر و رئیس ستاد مبارزه با موادمخدر]

بسمه تعالی

با پیشنهاد عفو زندانیان و محکومین موادمخدر، با تصویب ستاد مبارزه با موادمخدر موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمینی

مخاطب: ملت ایران، مسلمانان و مردم جهان و نسل های آینده ۱

.....

۱- ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهانخواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تاییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای

خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه افکنیهای بیحساب قلمداران و زبان‌مزدان در مطبوعات و سخنرانی‌ها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضد ملی به صورت ملیت، و آنهمه شعرها و بذله‌گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و موادمخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی‌تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی‌فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد، و از همه بدتر وضع دانشگاهها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می‌شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غریزه یا شرقزده صدرصد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام "ملیت" و "ملی‌گرایی"، گر چه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار داد نشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده و احد و فریاد "الله اکبر" و فداکاریهای حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جداست: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید

نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان براین ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.

استفتاآت ۱

س ۹ - یکی از نزدیکان مخفیانه تریاک می‌کشد تکلیف من نسبت به او چیست؟
لطفاً فتوای امام را نسبت به خرید و فروش و کشیدن تریاک بنویسید.
ج - او را ارشاد نمائید خرید و فروش تریاک جایز نیست.

استفتاآت ۲

س ۱۳ - بنده دارای چهار پسر عمو و یک دختر عمو می‌باشم که بطور کلی اهل عبادت نیستند که هیچ، اکثر درآمد آنها از قمار و خرید و فروش موادمخدر می‌باشد و به مقدسات مکتب من نیز توهین می‌کنند و با حکومت طاغوتی گذشته که منافع آنها را از راه نامشروع تهیه می‌کرد موافق بوده و می‌باشند و حال هم در انتظار حکومت طاغوتی هستند انشاءالله که در خواب هم نخواهند دید آیا می‌توانم با ایشان آمد و رفت نمایم؟
ج - قطع رحم نکنید و تا می‌توانید آنها را ارشاد نمائید.

استفتائات ۱

س ۹۶ - زوجه شخصی که شوهرش معتاد به هروئین است و به اشخاص معتاد نیز هروئین می‌فروشد و این زوجه از پول هروئین‌فروشی شوهرش ارتزاق می‌نماید و خرجی اطفالش را هم از همین پول می‌دهد و درآمد دیگری هم ندارد تکلیفش شرعاً چیست و آیا ارتزاق او و فرزندانش از پول مزبور جایز است یا حرام؟

ج - پول هروئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست.

استفتائات ۲

س ۹۷ - فروش هروئین جایز است یا خیر؟ و در صورت عدم جواز آیا فرقی است بین اینکه به هروئینی و معتاد بفروشد و بین اینکه به اشخاص غیرمعتاد بفروشد یا خیر؟

ج - جایز نیست و فرق نمی‌کند.

استفتائات ۳

س ۹۹ - آیا برای افراد معتاد ترک آن اصلح است یا ادامه آن در صورت توانایی؟
ج - بهتر است ترک کنند.

استفتائات ۱

س ۱۰۰ - مؤسسه‌ای است که با کمک مردم اداره می‌شود و کار این مؤسسه رسیدگی به حال مستضعفین و کمک به زندگی آنها می‌باشد، در این بین عده‌ای به ما مراجعه می‌کنند و ما می‌دانیم که وجه نقدی که از ما می‌گیرند به مصرف موادمخدره می‌رسانند با این توضیح که سابقاً اینها معتاد بوده‌اند کمک به اینگونه افراد از صندوق فوق‌الذکر از نظر شرعی جایز است یا خیر؟
ج - با علم به اینکه پول به مصرف موادمخدر می‌رسد نباید بدهند.

استفتائات ۲

س ۱۰۱ - کسی که هروئین فروش بوده و مبالغی از این راه به دست آورده و الآن توبه کرده آیا آنچه از این راه پیدا کرده باید به صاحبان وجوه برگرداند و در صورت عدم معرفت صدقه دهد یا اینکه مالک است؟
ج - مالک نیست.

استفتائات ۳

س ۱۰۳ - کشیدن و خرید و فروش تریاک و کشت خشخاش چه صورتی دارد؟

۱- جلد: ۲، صفحه: ۳۶

۲- جلد: ۲، صفحه: ۳۶

۳- جلد: ۲، صفحه: ۳۷

ج - اعتیاد به تریاک جایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر باید آن را ترک کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست.

استفتائات ۱

س ۱۰۳ - نظر به اینکه کشت خشخاش در تمام مملکت و من جمله در دهات محلات فراوان بوده و ما کشاورزان مقادیر زیادی از آن را برداشته تا در بازار قاچاق به فروش برسانیم و این از آن جهت است که قیمت مقرر از طرف دولت برای ما استفاده چندانى ندارد متمنى است نظر صریح خودتان را در این زمینه بیان فرمایید؟

ج - باید به دولت اسلامی بفروشند و لازم است دولت اسلامی به قیمت عادلانه از ایشان بخرد.

استفتائات ۲

س ۱۳۲ - عده‌ای می‌گویند اجناس قاچاق که معاملات آن غیرمجاز اعلام شده منحصر به اسلحه، موادمخدر و از این قبیل اجناس می‌باشد و معاملات سایر

اجناس قاچاق از قبیل قماش، خرازی و غیره را مجاز می‌دانند خواهشمند است نظر خود را در این زمینه اعلام فرمایید؟

ج - فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت مزاحمتی ندارد و در بازار فروخته می‌شود مانع ندارد.

استفتائات ۱

س ۱۵۳ - کسی که به جرم قتل غیر سیاسی یا فروش مواد مخدر در دادگاههای انقلاب اسلامی محکوم به اعدام می‌گردد، آیا بستگان و فامیلش می‌توانند برای او در مسجد مجلس ختم بر پا کنند؟

ج - با اجازه از دادگاه مانع ندارد.

تحریر الوسیله ۲

مسأله ۸ - فروش هر چیزی که وسیله حرام باشد، بطوری که منفعت مقصوده و مورد توجه آن منحصر در حرام باشد، مانند آلات لهو، مثل چوبهای مطربی و نی و دایره و مانند آنها. و آلات قمار، مانند نرد و شطرنج و مانند اینها حرام است و کما اینکه خرید و فروش آنها حرام است، ساخت و اجرت بر آنها (هم) حرام می‌باشد؛ بلکه شکستن و تغییر دادن شکل آنها واجب است. البته فروش جنس

اصلی آنها که چوب و برنج مثلاً می‌باشد بعد از شکستن، جایز می‌باشد؛ بلکه (فروختن اصل جنس آنها) قبل از شکستن هم در صورتی که بر مشتری شرط کند که آنها را بشکند، یا اصل جنس آنها را به کسی بفروشد که اطمینان دارد آنها را می‌شکند، جایز است و در صورتی که آنگونه که ذکر شد نباشد مورد اشکال است. و فروش ظروف طلا و نقره برای زینت و نگهداشتن جایز است.

مسأله ۱۰ - فروش انگور و خرما برای آنکه شراب بسازد، و (فروش) چوب مثلاً، برای اینکه بت یا آلت لهو یا قمار و مانند آن درست کند حرام است، یا به این که بگویند که در حرام بکار رود، و در عقد هم ملتزم به آن گردند؛ و یا هر دو بر آن توافق نمایند ولو به اینکه مشتری به صاحب انگور مثلاً بگوید: «یک من انگور به من بفروش تا شراب بسازم» و او هم بفروشد. و همچنین حرام است اجاره دادن مسکن‌ها به منظور آنکه شراب در آن فروخته و نگهداری شود، یا بعضی از چیزهای حرام در آن ساخته شود. و اجاره کشتیها یا باربرها جهت حمل شراب و مانند آن - به یکی از دو وجه گذشته - حرام است. و کما اینکه بیع و اجاره در مواردی که ذکر شد، حرام می‌باشد، فاسد هم می‌باشد؛ پس ثمن و اجرت آن برایش حلال نمی‌باشد. و همچنین است فروختن چوب به کسی که می‌داند او از آن صلیب یا بت درست می‌کند. بلکه، (با دلیلی قوی)، همچنین است فروختن انگور و خرما و چوب به کسی که می‌داند او آنها را شراب و آلت قمار و بربط (و آلات لهو) می‌کند. و (همچنین است) اجاره دادن مسکن به کسی که می‌داند او در آن، آنچه را که ذکر شد درست می‌کند یا آنها را می‌فروشد و امثال اینها. و

مسأله از ناحیه نصوص جداً مشکل است و ظاهر آن است که این نصوص معلل است. ۱.

تحریر الوسيله ۲

غیر حیوان

مسأله ۲ - خوردن هر چیزی که به بدن ضرر می‌رساند حرام است چه موجب هلاکت باشد مانند آشامیدن سم‌های کشنده، و اینکه زن حامله چیزی را بخورد که موجب سقط جنین شود، یا موجب انحراف مزاج یا از کار افتادن بعضی از حس‌های ظاهری یا باطنی یا موجب فقدان بعضی از نیروها باشد مانند مردی که چیزی بیاشامد که قوه جنسی و تناسلی را قطع نماید یا زن چیزی بیاشامد که عقیم گردد تا بچه‌دار نشود.

مسأله ۳ - در حرمت خوردن چیز مضر، بنا بر اقوی در چیزی که موجب هلاکت است و بنا بر احتیاط در غیر آن، بین اینکه ضرر آن معلوم باشد و (یا) مظنون باشد، بلکه اگر ضرر احتمالی هم داشته باشد - در صورتی که احتمال مورد توجه عقلا باشد به طوری که نزد آنان موجب ترس گردد فرق نمی‌کند. و همچنین ضرری که برخوردن آن مترتب است بین اینکه فوری باشد یا بعد از مدتی باشد فرق نمی‌کند.

۱-معلل - در علم درایه - عبارت از حدیثی است که متن یا سند آن در واقع پیچیدگی و اشکال پنهانی داشته باشد که به معنی بودن آن ضرر می‌زند و ظاهر آن بی‌اشکال و صحیح و سالم باشد.
۱-جلد : سوم ، صفحه : ۲۸۷ ، ۲۹۳ ، ۲۹۹ ، ۳۰۱

مسأله ۴ - مداوا و معالجه به چیزی که احتمالاً خطر دارد و احیاناً به خطر می‌کشاند، جایز است در صورتی که نفعی که از آن عاید می‌شود براساس تجربه و تشخیص و حکم صاحبان مهارت و اهل خبره، به طور غالب باشد، بلکه معالجه به چیزی که بالفعل و فوری ضرر قطعی داشته‌باشد، در صورتی که به وسیله آن ضرر بزرگتر و خطر شدیدتری دفع شود، جایز است و از این قبیل است قطع بعضی از اعضاء تا به هلاکت کشیده نشود و شکافتن زخم و داغ کردن به آتش. و از این قبیل است بعضی از «عمل» ها که در این زمانها معمول می‌باشد به شرطی که اقدام بر آن طبق روش عقلا باشد به اینکه کسی که مباشر عمل است با مهارت و با احتیاط و با ملاحظه باشد و سهل‌انگار و متهور نباشد.

مسأله ۵ - آنچه که زیاد آن - نه قلیل آن - ضرر دارد، زیاد موجب ضرر، حرام می‌باشد - نه قلیل غیرمضر - و اگر عکس آن فرض شود، بر عکس می‌باشد و همچنین چیزی که به طور جداگانه موجب ضرر است - نه منظم با چیز دیگر - به طور جداگانه حرام می‌باشد و آنچه که برعکس است، عکس آن می‌شود.

مسأله ۶ - چیزی که مثلاً یک مرتبه یا دو مرتبه اش ضرر ندارد ولی اعتیاد به آن و تکرار زیاد آن ضرر داشته باشد، فقط تکرار مضر آن حرام می‌باشد.

مسأله ۱۵ - شراب به ضرورت دین حرام است به طوری که حلال داننده آن با توجه به لوازم آن که تکذیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) «والعیاذ بالله» باشد، در زمره کفار می‌باشد و تحقیقاً در اخبار، ترک آن به طور شدید و با عظمت و در ارتکاب آن تهدید و وعید سخت، وارد شده است. و از امام صادق (علیه السلام) است که «شراب، مادر خبائثها و سرآمد هر شرّی است، و ساعتی بر خوردنده

شراب می‌آید که عقلش سلب می‌شود و در نتیجه پروردگارش را نمی‌شناسد. و معصیتی را ترک نمی‌کند مگر اینکه آن را مرتکب شود و حرمتی را رها نمی‌کند مگر اینکه آن را هتک نماید و هیچ خویشی متصل و نزدیکی نیست مگر آنکه آن را قطع می‌کند و هیچ فحشایی نیست مگر آنکه آن را بیاورد ». و تحقیقاً وارد شده‌است که: حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) در آن ده نفر را لعنت نموده است: غرس کننده آن و حافظ آن و فشار دهنده آن و خورنده آن و ساقی آن و حامل آن و کسی که به سوی او حمل می‌شود و فروشنده آن و خریدار آن و خورنده قیمت آن. بلکه در بعضی از اخبار تصریح شده‌است که آن بزرگترین کبیره‌ها است. و در اخبار زیادی آمده‌است که «مد من شراب» مانند عبادت کننده بت است. و بعضی از اخبار «مد من» را تفسیر نموده که او آن چنان کسی نیست که هر روز می‌خورد و لیکن کسی است که خود را آماده کرده که اگر شراب پیدا کند آن را بخورد. و علاوه بر اینها ضررهای زیادی در خوردن آن می‌باشد که اطبای حاذق آنها را در این زمانها کشف نموده و منصفهایی از غیر ملت ما (مسلمین) اقرار و اعتراف به آنها پیدا کرده‌اند.

مسأله ۱۶ - هر مسکری - جامد باشد یا مایع - از نظر موضوع یا حکم به شراب ملحق می‌باشد و آنچه که زیادش مستی می‌آورد کم و زیادش حرام می‌باشد و اگر فرضاً در بعضی از مزاجها یا در بعضی از مناطق یا به سبب عادت به آن مستی نیاورد موجب حرام نبودن آن نمی‌باشد.

مسأله ۳۰ - تمام محرمات مذکور [شراب، فقاق، گل] مباح می‌شوند، در حال اضطراب به آنها، یا چون حفظ جان و سدّ رمقش بر خوردن آن توقف دارد، یا با

ترک آن، بیماری سختی پیدا می‌شود که عادتاً تحمل نمی‌شود، یا ترک آن منجر می‌شود به ضعف مفرطی که به مرضی که عادتاً تحمل نمی‌شود کشیده شود یا منتهی به تلف او گردد یا به جا ماندن از رفقا با آشکار شدن نشانه‌های هلاکت او منجر می‌گردد، و از آن جمله است: آنچه که ترک آن به گرسنگی و تشنگی غیرقابل‌التحمل عادتاً منتهی گردد. و از آن جمله است: در صورتی که به ترک آن، بر نفس محترم دیگری ترس باشد مانند زن حامله‌ای که برای جنین و زن شیردهی که برای طفلش ترس باشد. بلکه از آن جمله است: مرضی که عادتاً تحمل نمی‌شود طول بکشد یا معالجه آن به ترک خوردن آنها سخت شود.

و معیار در همه اینها، خوف است که از علم یا گمان به مترتب شدن امور مذکوره بلکه از احتمالی که منشاء عقلایی دارد نه آنکه مجرد خیال و احتمال پیدا شود.

مسئله ۳۱ - از ضرورت‌هایی که محرمات را مباح می‌کند، اکراه و تقیه است از کسی که از او ترس داشته باشد بر خود یا نفس محترمی یا بر عرض خود یا عرض محترمی یا بر مال محترمی از خودش که قابل توجه است به طوری که تحمل ضرر و خسارت آن موجب حرج است یا از مال غیر که چنین باشد.

مسئله ۳۲ - در هر موردی که حفظ نفس، بر ارتکاب حرام، توقف داشته باشد، ارتکاب آن واجب است، پس در چنین حالی، اجتناب از آن جایز نیست؛ و بین شراب و گل و سایر محرمات فرقی نیست. پس اگر عطش پیدا کند که بر خودش خوف پیدا کند، خوردن شراب جایز بلکه واجب است. و همچنین است اگر به غیر شراب از محرمات، اضطراب پیدا کند.

مسأله ۳۳ - اگر به حرامی اضطراب پیدا کند باید بر مقدار ضرورت، اکتفاء کند و زیاده بر آن جایز نیست، پس اگر ضرورت اقتضا کند که شراب بیاشامد یا میته بخورد تا خوف بر خود را دفع نماید، باید به همان اکتفا کند و زیاده بر آن برایش جایز نیست.

مسأله ۳۴ - مداوا کردن بیماریها به وسیله هر حرامی در صورتی که علاج مرض، منحصر به آن باشد ولو به دستور دکترهای حاذق مورد اطمینان، جایز است و معیار آن است که مداوای آن - به حسب تشخیص آنها - در بین آنچه که در دست مردم است، از چیزهایی که وسیله علاج می‌باشد منحصر به آن حرام باشد، نه چیزی که واقعاً هست و ادراک بشر به آن احاطه پیدا نمی‌کند.

مسأله ۳۵ - مشهور - بنابر حکایتی که شده - این است که مداوا نمودن به شراب بلکه به هر مسکری حتی در صورت انحصار، جایز نیست. لیکن جواز آن خالی از قوت نیست به شرطی که علم داشته‌باشد که مرض قابل معالجه است و علم داشته‌باشد که ترک معالجه با آن به هلاکت با به چیزی که نزدیک به آن است منتهی می‌شود. و علم به منحصر بودن معالجه با آن به آن معنایی است که ذکر کردیم. و البته شدت مسأله شراب مخفی نیست، پس به خوردن و معالجه به آن عجله نکند مگر آنکه در صورت ترک مداوا به آن ولو به سبب موافقت عده‌ای از دکترهای حاذق و صاحب دیانت و درایت ببیند که هلاکت یا مانند آن، به خودش می‌رسد و گرنه باید بر مشقت صبر نماید که شاید حضرت باری تعالی او را عافیت دهد، وقتی که ببیند که او بر دینش محافظت دارد یا به او جهت صبرش، ثواب جزیل عطا کند.

تحریر الوسیله ۱

فصل چهارم در حد مسکر

مسأله ۱ - حد بر کسی که مسکر یا فقاع را - اگر چه مسکر نباشد - بخورد واجب است، به شرطی که خورنده آن بالغ و عاقل و مختار بوده و حکم و موضوع را بداند؛ پس بر بچه و دیوانه و مکره و جاهل به حکم و موضوع یا به یکی از آنها - در صورتی که جهل به حکم در حق او ممکن باشد - حدی نمی‌باشد.

مسأله ۲ - در مسکر بین انواع آن مانند آنچه که از انگور گرفته می‌شود و آن شراب می‌باشد، یا از خرما گرفته می‌شود و آن نبیذ است، یا از کشمش گرفته می‌شود و آن نقیع است، یا از عسل گرفته می‌شود و آن بتع است، یا از جو گرفته می‌شود و آن مزر است یا از گندم گرفته می‌شود یا از ارزن یا از غیر آنها گرفته می‌شود. و فقاع به مسکر ملحق می‌شود اگر چه فرض شود که مسکر نیست. و اگر مسکر از دو چیز و بیشتر ساخته شود در شرب آن حد می‌باشد.

مسأله ۳ - در حرمت عصیر انگور چه به خودی خود یا به وسیله آتش و یا خورشید بجوشد اشکالی نیست، مگر اینکه دو ثلث آن برود یا به سرکه منقلب شود؛ لیکن مسکر بودن آن ثابت نشده است. و در الحاق آن به مسکر در ثبوت حد - و لو اینکه مسکر نباشد - اشکال بلکه منع است مخصوصاً اگر به وسیله

آتش یا خورشید بجوشد. و عصیر کشمش و خرما به مسکر ملحق نمی‌شود نه از نظر حرمت و نه از نظر حد.

مسأله ۴ - اشکالی در این نیست که مسکر، کم باشد یا زیاد، در ثبوت حد به خوردن آن مساوی می‌باشد و لو اینکه یک قطره از آن باشد و فعلاً هم مسکر نباشد؛ پس آنچه که زیاد آن مسکر باشد در کم آن حد است. کما اینکه در آنچه که با چیز دیگر ممزوج شده در صورتی که اسم آن بر آن صدق نماید و آن چیز دیگر در آن مستهلک باشد، اشکالی نیست، کما اینکه در آنچه که در به چیز دیگر ممزوج شده در صورتی که مسکر باشد و به امتزاج آن از اسکار خارج نشده باشد، اشکالی نیست؛ پس در همه اینها حد است. و اما اگر به غیرش ممزوج شود مانند اغذیه و ادویه به طوری که در آن مستهلک شود و اسم آن صدق نکند و این ممتزج، مسکر نباشد پس در ثبوت حد به آن، اشکال است اگر چه به خاطر نجاست ممزوج، حرام می‌باشد؛ پس اگر قطره‌ای از آن در مایعی مستهلک شود شبهه‌ای در نجاست ممتزج نمی‌باشد، و لیکن ثبوت حد مسکر بر آن محل تأمل و اشکال است، لیکن حکم به حد، بین اصحاب ما معروف است.

مسأله ۵ - اگر به آشامیدن مسکر جهت حفظ نفس از هلاکت یا از مرض شدید، اضطرار پیدا کند و بیاشامد حد بر او نیست.

مسأله ۶ - اگر مسکر بیاشامد - با اینکه می‌داند حرام است، حد واجب است و لو اینکه نداند که آن موجب حد است. و اگر مایعی را به گمان اینکه حرام غیر مسکر است، بیاشامد پس از آن روشن شود که مسکر می‌باشد، حد بر او ثابت

نمی‌شود. و اگر بداند که مسکر است و خیال کند که آنچه موجب حد می‌باشد، آن است که بالفعل مسکر باشد پس کم آن را بیاشامد ظاهراً حد واجب است. مسأله ۷ - آشامیدن مسکر، به دو مرتبه اقرار ثابت می‌شد. و در مقر، بلوغ و عقل و حریت و اختیار و قصد شرط است. و در اقرار معتبر است که مقرون به چیزی نشود که با آن احتمال جواز شربش باشد مانند قول او: «آشامیدم برای مداوا یا به طور مجبوری» و اگر به طور مطلق اقرار کند و قرینه قائم شود بر اینکه او به طور معذوری آن را آشامیده است حد ثابت نمی‌شود. و اگر به طور اطلاق، اقرار کند سپس ادعای اقرار کند سپس ادعای عذر نماید، از او قبول است و حد از او دفع می‌شود در صورتی که چنین چیزی در حق او محتمل باشد. و در ثبوت آن با احتمال عذر، بو و مزه کفایت نمی‌کند.

مسأله ۸ - و به دو شاهد عادل ثابت می‌شود؛ ولی شهادت زن‌ها - جداگانه یا با ضمیمه مردها- قبول نمی‌شود. و اگر دو شاهد عادل به طور مطلق شهادت دهند در ثبوت آن کفایت می‌کند. و اگر در خصوصیات اختلاف کنند مثل اینکه یکی از آنها بگوید: «او فقاع آشامید» و دیگری بگوید: «او شراب خورد» یا یکی از آنها بگوید: «از در بازار آشامید» دیگری بگوید: «او در خانه آشامید» شرب آن ثابت نمی‌شود پس حدی نیست. و همچنین است اگر یکی از آنها شهادت بدهد که: «او با علم به حکم، آشامید» و دیگری شهادت بدهد که: «او از روی جهل آشامید» و غیر این از اختلافات. و اگر یکی از آنها مطلق شهادت دهد و بگوید: «مسکر آشامید» و دومی مقید کند و بگوید: «شراب آشامید» ظاهراً حد ثابت است.

- مسأله ۹ - حد در شرب آن، هشتاد جلد است، خورنده آن مرد باشد یا زن، و کافر اگر آشامیدن آن را تظاهر نماید، حد زده می‌شود و اگر مخفی بدارد حد نمی‌خورد، و اگر در کنیسه‌ها و مراکز عبادتشان بیاشامد، حد نمی‌خورد.
- مسأله ۱۰ - بر کمر و دو کتف و بقیه تن شارب آن زده می‌شود و از صورت و سر و عورتش اجتناب می‌گردد. و مرد به صورت عریان تمام بدن غیر از عورت ایستاده زده می‌شود و زن به صورت نشسته و با لباسهایش، زده می‌شود. و بر آنها اقامه حد نمی‌شود تا اینکه افاقه پیدا کنند.
- مسأله ۱۱ - حد به عروض دیوانگی و همچنین به ارتداد ساقط نمی‌شود؛ پس در حال دیوانگی و ارتدادش حد می‌خورد.
- مسأله ۱۲ - اگر کراراً بیاشامد ولی در خلال آنها حد زده نشود، یک حد از همه آنها کفایت می‌کند و اگر بیاشامد و حد بخورد، در مرتبه سوم به قتل می‌رسد و گفته شده که در مرتبه چهارم کشته می‌شود.

احکام مسکر و بعضی از ملحقات آن

- مسأله ۱- اگر عادل به آشامیدن او و دیگری به قی کردن او (از مسکر) شهادت دهد حد واجب است؛ بدون تاریخ شهادت بدهد یا به تاریخی شهادت بدهد که اتحاد آنها ممکن باشد و در صورتی که یکی بودن آنها ممکن نباشد، حد نمی‌خورد و اگر هر دو به قی کردن اوشهادت بدهند آیا حدمی‌خورد (یا نه) ؟ در آن اشکال است.

مسأله ۲ - کسی که شراب می‌آشامد در حالی که اصلاً آشامیدن آن را حلال می‌داند در حالی که او مسلمان است باید توبه داده شود، پس اگر توبه کند، حد بر او اقامه می‌شود و اگر توبه ننماید و انکار او به تکذیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برگردد به قتل می‌رسد، و فرقی بین ملی و فطری نیست. و بعضی گفته‌اند که : حکم او حکم مرتد است که اگر بر فطرت به دنیا آمده، توبه داده نمی‌شود بلکه بدون توبه دادن کشته می‌شود. ولی اولی شبهه است. و کسی که مسکرات غیرشراب را مطلقاً، حلال بداند به قتل نمی‌رسد بلکه به آشامیدن آن به خصوص، حد می‌خورد - حلال بداند آن را یا حرام - . و فروشنده شراب توبه داده می‌شود مطلقاً، پس اگر توبه نماید از او قبول می‌شود و اگر توبه نکند و حلال دانستن او به تکذیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برگردد کشته می‌شود. و فروشنده مسکرات غیر از شراب کشته نمی‌شود اگر چه آن را حلال دانسته و بفروشد و توبه ننماید.

مسأله ۳ - اگر شراب‌خوار قبل از قیام بی‌توبه بر او به آشامیدن آن توبه کند، حد از او ساقط می‌شود. و اگر بعد از قیام آن توبه کند ساقط نمی‌شود و بر او حد است. و اگر بعد از اقرار توبه کند بعید نیست که امام (علیه‌السلام) در اقامه حد بر او و عفو او، مخیر باشد و احوط برای او، اقامه حد است.

مسأله ۴ - کسی که چیزی از محرّماتی را که مسلمین بر تحریم آن اجماع دارند، حلال بداند مانند میته و خون و گوشت خوک و ربا، پس اگر بر فطرت تولد یافته به قتل می‌رسد در صورتی که انکار او به تکذیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) یا

انکار شرع برگردد و گرنه تعزیر می‌شود. و اگر انکار او به خاطر شبهه‌ای باشد از کسی که در حق او صحیح باشد، تعزیر نمی‌شود ولی اگر شبهه‌اش برطرف شود و باز اصرار بر حلال بودن آن داشته باشد، به قتل می‌رسد؛ زیرا برگشت آن به تکذیب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) است. و اگر چیزی از محرمات را غیر از آنچه که شارع در آن حدی را تعیین فرموده با علم به تحریم آن - نه آنکه حلال بداند - مرتکب شود تعزیر می‌شود، چه اینکه محرمات از کبایر باشند یا صغایر.

مسأله ۵ - کسی که حد یا تعزیر او را به قتل می‌رساند دیه‌ای برایش نیست در صورتی که از آن تجاوز نشده باشد .

مسأله ۶ - اگر حاکم اقامه حد را به قتل انجام دهد سپس بعد از آن ظاهر شود که دو شاهد یا شهود فاسق بوده‌اند، دیه او از بیت‌المال است و حاکم و عاقله‌اش ضامن آن نمی‌باشند. و اگر حاکم اقامه حد بر زن حامله را انفاذ نماید یا زن حامله چیزی را ذکر کند که موجب حدّ باشد، پس حاکم جهت تحقیق، او را احضار نماید و این زن بترسد و حملش را سقط نماید بنابر اقوی دیه جنین بر بیت‌المال است.

موضوعی

- ۱۱-۲۷-۳۱-۸۶-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶
۱۰۶
۱۱-۳۱-۱۰۶
۱۳-۲۰-۲۴-۳۱
۱۳-۱۷-۲۲-۲۷-۲۸-۳۰-۳۱-۳۳
۳۳-۳۴-۳۶-۳۹-۴۲-۴۸-۵۲
۵۳-۵۷-۵۸-۶۳-۶۵-۶۶-۶۷
۶۹-۷۱-۸۲-۸۵-۱۰۲
۱۲-۱۵-۱۶-۵۰-۵۱
۱۷-۱۸-۲۲-۲۷-۲۸-۲۹-۳۱
۳۲-۳۳-۳۴-۳۶-۳۹-۴۰-۴۲
۴۳-۴۸-۵۲-۵۷-۵۸-۵۹-۶۳
۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۸۲-۸۸
۱۷-۱۸-۲۰-۲۲-۲۴-۳۰-۳۱
۳۳-۳۴-۶۵-۶۶-۶۷-۷۲-۷۳
۱۷-۲۷-۳۰-۵۰-۵۱-۵۲-۶۰
۶۱-۶۵-۶۶-۶۷-۸۳-۸۴
۱۹
۱۳-۲۰-۲۷-۵۰-۵۱
۲۰ * درجه اول خائنین هستند به این مملکت، تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان های ما، ملت ما را از بین خواهد برد
۲۰-۷۸-۸۶-۸۷ * فساد نسل است [تریاک آوردن و پخش کردن، هروئین آوردن و پخش کردن]
۲۱ * اینها با هروئین می کشند! این بدتر از قتل است
۲۰-۲۱ - توصیه به ترک تریاک آوردن و پخش کردن، هروئین آوردن و پخش کردن
۲۳ * موظفیم که توجه داشته باشیم که این نهضت راهمان طور که تا حالا آوردیم حفظ کنیم و نگذاریم که اخلاص در آن بشود

- ۲۴ * این انقلاب روحی را حفظش کنید ...
 قاچاق‌گری چقدر شده، هروئین فروشی چقدر شده، تریاک
 فروشی چقدر شده، اگر برگردد آن تحول روحی، که یک برهه
 از زمان بود و شما را به پیش برد، اگر خدای نخواستہ آن
 برگردد، خوف این است که جهات دیگر هم برگردد، عنایت
 خدا برگردد
- ۲۵ * من از شما دوستان عزیز، فرزندان محترم، که در سرحدات
 هستید و در آنجا زحمت می‌کشید و در آن هوای گرم برای
 اسلام و برای کشور خودتان خدمت می‌کنید، کمال تشکر را
 دارم. و امیدوارم که شما خودتان سرحدات را حفظ کنید و
 نگذارید قاچاق وارد بشود، خصوصاً اسلحه قاچاق و
 مواد مخدره‌ای که برای ملت مضر است. خود شما باید آنجا
 فعالیت کنید و جلوگیری از این مطالب بکنید. خداوند به همه
 شما سلامت و سعادت و عزت و عافیت عنایت کند و شما راجزء
 فداکارهای اسلام قرار بدهد
- ۲۵-۲۷-۴۶-۴۹-۵۰-۵۱-۵۶- * آزادی برای این نیست که هر کس هر کاری می‌خواهد بکند.
 قاچاق‌فروشی بکند
- ۶۵ * اگر در حال عادی بود، حفظ نظم با قوای انتظامی بود، اما اگر
 ۲۷ حال غیر عادی شد، مردم همه موظفند که کمک کنند به قوای
 انتظامی، قوای انتظامی را تنها نگذارند، پاسدارها هم موظفند،
 خود مردم هم موظفند
- ۲۷-۲۵-۴۶-۴۹-۵۰-۵۱-۵۶ * " ما آزادیم هروئین بفروشیم، آزادیم تریاک بفروشیم، آزادیم
 قمارخانه باز کنیم، آزادیم شرابخانه باز کنیم، شراب فروشی باز
 کنیم " ! همچو " آزادی " نیست. این آزادیها یک آزادیهای
 غربی است که اینطور چیزها را می‌آورد. آزادی که در اسلام
 است در حدود قوانین اسلام است
- ۲۷ * باید در جمهوری اسلامی، نیروهای انسانی محفوظ بماند.
 نیروهای انسانی صرف یک امر صحیح بشود تا کشور ما نجات
 پیدا بکند
- ۲۸ * این از همه خیانتها برای این مملکت بالاتر است که اینها
 نیروی انسانی را تباه کردند به وجهه‌های مختلف
- ۳۰ * پاسداری از اسلام همین است که جلو فسادها را بگیرد،
 جلو هروئین، جلو این جور مفسده‌ها
- ۷۲-۷۳ - پرهیز از اختلافات و رسیدگی به مشکلات

- ۳۰-۳۳-۳۴-۴۲-۴۳-۴۵ * نقشه کشیدند که نگذارند این نهضت به ثمر برسد ، و لذا از همه طرف خرابکاری می کنند، یک خرابکاریشان همین است که نگذارند جوان های ما صحیح باربیایند؛ و حالا که باید از نیروی جوانی استفاده بشود، نگذارند این نیروی جوانی به ثمر برسد. بنابر این باید از همه جوانب جلوگیری بشود . هر دسته ای باید یک گوشه اش را بگیرد و درست کند . یک دسته مبارزه با موادمخدر...
- ۳۰-۳۳-۳۴ * من توفیق شما را در این مجاهدت از خدا می خواهم
- ۳۱ * اصل قضیه مبارزه با فساد مطلقاً و با این قسم از فساد که اعتیاد باشد، هیچ اشکال ندارد و مطلبی است که باید بشود، و باید دولت و اشخاصی که می توانند کمک کنند که این فساد برداشته بشود، در این هیچ اشکالی نیست. هر عقلی و هر عاقلی این معنا را تصدیق دارد که با اینطور فسادها، که جوان های ما را به نیستی تقریباً می کشد، باید مبارزه بشود
- ۳۱-۱۰۵-۱۰۶ * آنهایی که معتاد هستند باید آنها را در مراکزی، از اعتیاد بیرون بیاورند
- ۳۱ * و بالاتر [از ترک اعتیاد] ، جلوگیری از فروش و خرید و پخش اینطور مواد بی اشکال لازم است. از نظر شرع هم باید، این کار بشود
- ۳۱ * جلوگیری از اعتیاد و برای اینکه معتادین را معالجه بکنند، بسیار امر صحیحی است و لازم
- ۳۲-۳۳-۳۹-۴۰-۴۲-۴۳-۵۳ * اینها می خواستند که هر قوه ای که احتمال بدهند که در مقابل اجانب بایستد و اربابها بایستد و هر فکری را که احتمال بدهند که این فکر در مقابل آنهاست، اگر بتوانند فکر را از او بگیرند فکر را چه طور بگیرند؟ به اعتیاد به مشروبات، به اعتیاد به هروئین و امثال این مخدرات که فکر انسان را می گیرد؛ انسان را از میان تهی می کند
- ۳۳ * آنها از هر راهی که می خواهند نگذارند که این نهضت به ثمر برسد...
- از چیزهای مهمی که در این باب بوده همین قضیه موادمخدر بود که با حساب موادمخدره می آید، نه این است که یک قاچاقچی این کار را می کند یا قاچاقچیهایی؛ خیر اینها حساب دارد
- ۱۰۴ - صلحه رحم

- ۱۰۵ - ارتزاق از هروئین فروشی
- ۱۰۶ - عدم کمک مالی با علم بر مصرف در راه موادمخدر
- ۳۳-۳۴-۴۳ * شما اینها را پای چهار تا قاچاقچی حساب نکنید " این قاچاقچی بزرگها " این کارها را می کنند، این دستهای خارجی دارد این کارها را می کند اینطور نیست که این مفسده‌هایی که الآن در ایران دارد می شود مثلاً شما این را پای یک جمعیتی حساب بکنید که شلوغکارند، نخیر این روی حساب صحیح [و [دقیق پیش خودشان حساب شده است که باید این مملکت که بناست اسلامی بشود و اگر انشاء... اسلامی بشود، دست اینها دیگر تا آخر کوتاه است
- ۳۴ * نه اینکه هروئین و رواج هروئین در سر تا سر مملکت ... همین طوری شده، و من باب اتفاق شده است؛ نه، اینها همه روی نقشه است
- ۳۵ * این هروئین فروشی و - نمی دانم - زهرمار فروشی که الآن رواج دارد؛ اینها را به عهده بازار اسلامی حساب می کنند، به عهده جمهوری اسلامی حساب می کنند، مکتب ما شکست می خورد، اسلام شکست می خورد، اسلام دفن می شود، و دیگر کسی نمیتواند بیرونش بیاورد
- ۶۹-۷۱ - تکلیف صدا و سیما در برخورد با انحرافات
- ۷۰-۷۱ - تکلیف مطبوعات در برخورد با انحرافات
- ۳۶-۳۷ * این رشته طولانی قضیه موادمخدر است که شما خیال می کنید که این قاچاقچیهها همان یک کاسبهایی هستند قاچاقچی، بی حساب است مسئله! من احتمال می دهم که این هم جزء همان حسابهایی است که آنها می کنند. آنهايي که می خواهند شما را بچاپند، آنهايي که نمی خواهند ایران به پای خودش بایستد. هر کشوری با جوان هایش به پای خودش می ایستد. از یک راه جوان های ما را معتاد کردند به این مخدرات که دیگر یک کسی که معتاد به هروئین شد دیگر آدم اسمش را نمی شود گذشت! یک موجودی است که آنجا نفس می کشد، این نمیتواند مبدأ یک کاری بشود، نمی تواند یک اداره‌ای را اداره کند، نمی تواند تفکر بکند دراموری که مملکتش احتیاج به او دارد
- ۹۲ * حق عفو ندارند، [قضات ماذون] ، مگر به اذن فقیه جامع الشرایط

- به کارگیری محکومین موادمخدر در کارهای عمرانی و غیره ۹۲-۹۸
- فروش اموال مجهول‌المالک حاصل از قاچاقچیان ۱۰۰
- ۳۸ * آن رمزی که شما را پیروز کرد که ایمان به خدا، توجه به خدا [بود] که من در قیافه شما دارم می‌بینم این را، این را حفظش کنید، گله نکنید از دیگران ، شما برای خدا دارید می‌کنید، هر چه توانستید، اینهایی که مبتلا هستند، اینها را هم نجات بدهید. هر چه که نتوانستید، عذر دارید پیش خدا، هر چه ماها توانستیم، آنهایی که افتاده‌اند بایست دستشان را بگیریم. آنهایی که مبتلای به این مخدرات هستند، اینها برادرهای ما هستند. و ما باید اینها را نجات بدهیم. با چشم پدری، برادری به اینها نگاه کنیم، اینها را هدایت کنیم، نجات بدهیم، کوشش کنیم برای نجات این جمعیت، نجات این ملت
- ۴۷ * جوان هایی که مبتلا به مخدرات هستند در امور کشوری بی تفاوت‌اند
- ۴۸ * یک آدم هروئینی اصلش فکرش دنبال این نیست که چه می‌گذرد. او همه‌اش دنبال این است که چه وقت، وقت هروئین بشود یا وقت استعمال تریاک بشود ... حالا چه می‌گذرد در این مملکت چه بر سرش دارد می‌آید پیشش مطرح نیست، دنبال این مطلب نیست
- ۸۲ * جوان های ما را از اسلام می‌خواستند جدا کنند. موادمخدره و موادی انسان‌کش است، در اینجا به دست همین خاندان پهلوی خریده می‌شد و پخش می‌شد
- ۴۹ * مملکت، مملکت است به جوانش، به نیروی انسانی، چیزی که نیروی انسانی را به باد بدهد مملکت را به باد بدهد اگر یک مملکتی نیروی انسانی نداشته باشد، این مملکت نمی‌تواند اداره بشود اینطور آزادی که این آقایان می‌خواهند، این آزادی است که نیروی انسانی را به تباهی می‌کشد، و به آنجا می‌کشد که هر چه سرش بیاورند حرف نزنند؛ ... آدم تریاکی نمی‌تواند از پای منقل پا شود برود سراغ فرض کنید که جهادسازندگی، از پای منقل نمی‌تواند فکر این معنا را بکند که به مملکت ما چه بگذرد، فرهنگ ما چه شده‌است، اقتصاد ما چه شده‌است
- ۵۱-۵۲-۶۷-۸۲-۸۳ * تربیت کنید این بچه‌ها را به تربیت انسانی، تربیت اسلامی که همان تربیت انسانی است. اگر این مملکت مسلمان بشود، تربیت اسلامی باشد، هیچ قدرتی نمی‌تواند مقابلش بایستد

- ۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۶۰ * این یک باب است که باز چون برگشتش به حیثیت اسلام است لازم است. یعنی واجب است به هروئینی‌ها که بروند خودشان را معالجه کنند، و حرام است برای اشخاصی که نیستند در این باب بروند وارد بشوند، چه هروئینی و چه تریاک و اینها و چه مشروبات و اینها. همه اینها انسان را از آنی که هست ساقطش می‌کند
- ۵۵ * آقایان هر جا هستید کمک کنید به این نهضت، نهضت را حفظش بکنید، تا انشاء... مطالب به آخر برسد. یک مملکت اسلامی پاکیزه، اسلامی که نه هروئین در آن باشد؛ نه مشروبات در آن باشد؛ نه این مراکز فساد باشد، این مراکزی که به تباهی کشید جوان‌های ما را. یک مملکت صحیح آرام، دلپسند و با رفاه و دلگرم باشد. و من دعاگوی همه‌تان هستم، خدمتگزار به همه‌تان
- ۵۷ * این هروئین به این فراوانی، که الآن هم ملت ما به شرش مبتلا هست، این یک مسئله نبود که همین [طور] من باب اتفاق همچو توسعه پیدا کند. این یک برنامه بوده‌است. برای اینکه وقتی یک جوانی هروئینی بشود دیگر همه چیزش را از دست می‌دهد
- ۵۸ * یک باب دیگر معتادین است. شما این را مسئله اتفاقی ندانید که من باب اتفاق یک دسته‌ای هروئین فروش شدند و یک دسته‌ای هم مبتلا شدند. این هم یک مسئله‌ای است که ما داریم ضربه‌اش را از همین قدرتهای بزرگ می‌خوریم. توطئه است
- ۷۸ - وظیفه قوا و نیروها در زمان استقرار و سازندگی در خصوص مردم .
- ۷۹ * این هروئین فسادش از همه چیز بالاتر است
- ۵۹ * یک نقشه‌های مختلفی است برای جوان‌های ما. یک بایش همین باب مخدرات است؛ تریاک و هروئین و امثال ذالک، که این را همین طوری که شما الآن مشغولید یک کار الهی است شما دارید می‌کنید. مسئله نجات یک آدم نیست. مسئله نجات اسلام است، مسئله آن هم اگر بود لازم بود. اما مسئله بالاتر از اینهاست. عمیق است مسئله
- ۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۶۰ * همه اشخاصی که بتوانند جلو اینها را بگیرند [معتادین] معالجه‌شان بکنند، باید معالجه بکنند، نصیحتشان کنند که آقا یک موجودی که می‌خواهد همه کار ازش می‌خواهد بیاید

- چرا خودت را مهمل می‌کنی، که چند دفعه این کار را بکنی بعدش یک آدم مهملی بشوی که هیچ کار ازت نیاید، برو معالجه کن. در بین مردم واقع شو. در جناح خلاقه واقع بشو. این یک امری است لازم، این هم از آن اموری است که باز برمی‌گردد به حفظ حیثیت یک ملت و اسلام
- ۸۴ * از امور لازم قضیه جلوگیری از بیماری است، آن اهمیتش بیشتر از خود معالجه است
- ۸۸ - وظیفه حجاج در حفظ حیثیت نظام
- ۶۶ * اینها همین نقشه را داشتند که جوان های ما را از این افکاری که باید با آن افکار ما برسیم به یک مطلبی، بازدارند، و آن فعلیتی که باید جوان ما، و طبقه جوان ما داشته از دستش بگیرند. مهمل بارش بیاورند هر چه می‌خواهند بکنند و ما حرف نزنیم. لکن خدا نخواست. به داد شما رسید خدا نخواست اینطور بشود و در بین راه خدا دریافت شما را و شما حفظ کنید این را ... من آخر عمرم است اما شما جوانید اصلاح کنید اینها را. اصلاح کنید اینها را، اگر بخواهید مستقل باشید این چیزها را درصد برآید اصلاحش بکنید همه مملکت باید مشغول بشود برای اصلاح خودشان. اول اصلاح آدمها را بکنند که مقدم بر همه چیز است
- ۶۸ * بنابراین کوشش کنید و کوشش کنند کسانی که علاقه دارند به کشورشان، کسانی که علاقه دارند به ملتشان، کسانی که علاقه دارند به اسلام، کوشش کنند که این مسائلی که به صورت مصایب [مخدرات] در این مملکتهای ما پیاده شده‌است بزدايند
- ۸۷-۲۰-۷۸ * اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع موادمخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسده فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای افساد و ملاک حرث و نسل است
- ۸۵ * از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه کسانی که با فروش و توزیع موادمخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده‌اند، و چه سایر گناهکاران، اینان اکنون اسیران شما هستند، و ...
- ۸۷-۲۰-۳۱-۷۸ * فساد در صورتی است که موادمخدره پخش شود بطوریکه موجب ابتلاء بسیاری شود، یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر

- ۹۲ * در احکام سلطانیه که خارج است از تعزیرات شرعیه، در حکم اولی است، متخلفین را به مجازاتهای بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند
- ۱۰۲ * با پیشنهاد عفو زندانیان و محکومین موادمخدر، با تصویب ستاد مبارزه با موادمخدر موافقت می‌شود
- ۱۰۴ * بنابراین [با وجود تمام دسیسه‌ها و ...] شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است

کلمه

۴۸-۱۳	استعمال
۱۰۵	ارتزاق
۱۱۱-۱۰۷-۹۷-۸۹-۸۳-۷۷-۷۰-۵۸-۳۳-۳۲-۳۱-۱۷-۱۶	اعتیاد
۱۷	اعتیادی
۱۰۸-۹۵	اعدام
۸۲-۸۰-۷۵-۵۰-۳۶-۱۳	افیون
۹۷-۸۷-۸۲-۷۸-۶۹-۶۰-۳۱-۲۰	پخش
۱۰۱-۷۶	تخفیف
۱۱۴-۱۱۳-۱۱۲-۱۱۱-۱۰۷-۱۰۵-۷۷-۲۰	ترک
-۵۹-۴۹-۴۸-۴۶-۴۲-۳۳-۲۹-۲۷-۲۴-۲۱-۲۰-۱۹-۱۷-۱۴-۱۳-۱۲	تریاک
۱۰۷-۱۰۶-۱۰۴-۸۷-۸۶-۸۵-۷۵-۶۷-۶۶-۶۴-۶۰	
۲۷-۲۴	تریاک فروشی
۴۶	تریاک کشها
۶۶-۵۸-۵۶-۴۹-۲۷-۱۴-۱۲	تریاک
۸۵	توزیع
۱۰۱-۹۴-۹۳-۶۴-۶۲-۶۰-۵۹-۵۶	توطئه
۱۱۲-۱۰۹-۹۷-۷۷	حمل
۱۱۲-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۶-۱۰۴-۸۶-۸۲-۳۱	خرید
۱۱۲-۱۰۴-۸۶	خریدار
۱۰۷-۱۰۶	خشخاش
۷۴-۴۲	خمار
۱۰۱	درمان
۴۰	دستگاههای تخذیری
۱۰۲-۹۹-۹۸-۸۷-۸۶-۸۵-۷۹-۷۷	زندانیان
۸۰	ساختن
۸۸	سازندگان
۱۰۲	ستاد مبارزه با موادمخدر
۵۵-۳۴-۲۶-۲۵	سرحدات
۱۱۹-۱۰۲-۹۲-۹۱-۸۷-۸۶-۸۰-۷۹-۷۷-۷۶	عفو
-۱۰۰-۹۷-۹۱-۸۷-۸۶-۸۵-۶۸-۵۸-۵۷-۳۵-۳۱-۲۷-۲۵-۲۴-۲۰	فروش
۱۱۹-۱۱۲-۱۰۹-۱۰۸-۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۱۰۴	
۱۰۸-۱۰۷-۱۰۰-۹۱-۸۸-۸۷-۵۵-۳۷-۳۳-۲۶-۲۵-۲۴-۲۱-۲۰	قاچاق

۲۵	قاچاق فروشی
۱۰۰-۵۵-۳۷-۳۳-۲۱-۲۰	قاچاقچی
۱۰۰	قاچاقچیان
۳۳	قاچاقچی بزرگها
۲۴	قاچاق گری
۳۷-۳۲-۲۰	قاچاقچیهها
۳۳	قاچاقچیهایی
۱۰۱	قانون مبارزه با موادمخدر
۱۰۷-۱۰۶-۱۹	کشت
۱۰۶-۱۰۴	کشیدن
۱۰۲-۱۰۱-۹۲-۳۴-۳۰	مبارزه با موادمخدر
۶۹-۶۷-۵۹-۴۷-۴۲-۴۰-۳۹-۳۷-۳۲-۲۹-۱۳-۱۲	مخدرات
۹۴-۵۶-۵۵-۲۴	مرز
۱۰۷-۸۷-۱۱	معامله
۱۰۷-۱۰۶-۱۰۵-۱۰۲-۱۰۱-۹۸-۸۰-۶۲-۵۸-۳۸-۳۷-۳۱	معنات
۱۰۱-۸۰-۵۸-۳۱	معناتین
۷۵-۶۱-۴۹	منقل
-۷۸-۷۷-۷۶-۷۵-۶۹-۶۸-۶۴-۶۱-۵۹-۴۱-۳۷-۳۶-۳۳-۳۰-۲۶-۱۱	موادمخدر
۱۰۷-۱۰۶-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۲-۱۰۱-۹۷-۹۴-۹۲-۸۵-۸۰	موادمخدره
-۸۵-۸۲-۷۸-۶۹-۶۸-۶۱-۵۹-۴۱-۳۴-۳۳-۲۶-۲۵-۲۴-۱۸-۱۳-۱۱	
۱۰۶-۱۰۳-۹۷-۸۷	
۸۸	موزعین
۹۴-۶۸-۶۳-۶۰-۵۹-۳۹-۳۸-۲۷-۲۲-۲۱	نجات
۸۶	نقل و انتقال
۱۰۹-۷۷	نگهداری
۸۰-۲۹	وارد کردن
۸۸	وارد کنندگان
۷۵-۶۰-۴۷	وافور
-۳۵-۳۴-۳۳-۳۲-۳۰-۲۹-۲۷-۲۴-۲۲-۲۱-۲۰-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۱	هروئین
-۶۵-۶۴-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۷-۵۶-۵۵-۵۴-۵۲-۵۱-۴۹-۴۸-۴۶-۳۷	
۱۰۶-۱۰۵-۸۵-۸۲-۷۹-۷۵-۷۳-۷۲-۷۱-۷۰-۶۸-۶۷-۶۶	
۱۰۶-۶۸-۵۸-۳۵-۲۴-۲۰	هروئین فروش
۶۸-۳۵-۲۴-۲۰	هروئین فروشی

۴۶	هروئین کش ها
۱۰۵-۸۲-۶۶-۶۱-۶۰-۵۹-۵۸-۵۶-۵۴-۵۲-۴۸-۲۷-۲۲-۱۴	هروئینی